

نمره - ۱۷۵

مخلص مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئیه)

قلهک، ۱۷ ژون ۱۹۰۸

[۲۷ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۷ج ۱-۱۳۲۶]

توضیح کلیه علل و اسباب و شاید صحیح تر باشد گفته شود تعیین مناسبت اهمیت آنها با علل و اسباب مختلفه بحرانی که باعث انقلاب ایران و مخصوصاً انقلاب پایتخت چند روزی در انتهای ماه مه و اوایل ژون شده سهل و آسان نمی باشد.

از ۱۶ شهر گذشته [۲۶ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۲۶ع ۱۵ - ۱۳۲۶] تاکنون مملکت کابینه وزراء نداشته . هیچکس از خارج شدن مشیرالدوله از وزارت خارجه متأسف نیست. ضعف حقارت آمیز او باعث تجدید خشم اهالی علیه شاه شده، انقلاب شدیدی شروع گردیده. از اعلیحضرت تقاضا شد که امیر بهادر جنگ و سایر درباریان معتمد خود را که بواسطه همان اعتمادی که شاه بر آنها داشت مورد تنفر ملیین شده بودند اخراج نماید.

روز سه شنبه طرف عصر (دوم شهر جاری) [۱۲ خرداد ۱۲۸۷؛ ۲ ج ۱ - ۱۳۲۶] شاه به قبول تقاضای آنها تن در داده و حاضر شد که شش نفر از اطرافیان خود را اخراج نماید. مابین ساعت دو و سه بعد از نصف شب امیر بهادر جنگ با اتفاق بیست نفر از غلامان مسلح خود به سفارت روس در زرگنده رسید.

روز بعد که سوم شهر جاری باشد من از سفیر روس که به دیدن من آمده بودند پذیرائی کردم. مسیو دوهارت و یک اظهار داشت شاه خود را در واقع از دست رفته و مشرف به هلاکت می داند و من خیلی مایل به حفظ جان او هستم و به گمان او موقع آنقدر سخت بود که سفارتین لازم است اقدامی بنمایند. بنابراین او اینطور ارائه طریق نمود که ما متفقاً از مشیرالدوله که اگر چه پنج روز قبل از کار استعفا نموده بود هنوز به مقام وزارت امور خارجه برقرار بود ملاقات نموده و او را از نتایج و عواقب مهمی که از حدوث اتفاقی برای شاه ممکن است برای ایران بوقوع آید متذکر سازیم. من گفتم بسیار مشتاقم که در این امر با او اتفاق نمایم ولی گمان نمی کنم از مذاکره این مطلب با مشیرالدوله فقط چندان نتیجه بدست آید چه که او ممکن است شرح اظهارات و عنوانات ما را بطور بسیار ناقصی بیان کند و اینطور ارائه طریق نمودم که ممکن است از مشیرالدوله درخواست نمایم که رئیس مجلس را هم برای ملاقات ما دعوت کند. مسیو دوهارت و یک باین مطلب رضا داده و پیشنهاد نمود که چون به ممتازالدوله هم زیادتر از وزیر امور خارجه نمی توان اعتماد نمود بهتر است که عضدالمک هم حضور داشته باشد.

بنابر این ترتیب ما به مشیرالدوله تلگراف کرده از او درخواست نمودیم که ترتیب ملاقاتی برای ساعت سه و نیم همان روز بعد از ظهر بدهد.

همینکه به خانه مشیرالدوله رسیدم مسیو دوهارت و یک را آنجا یافتیم ولی هم ممتازالدوله و هم عضدالمک به معاذیر سست متعذر شده از حضور در آنجا خود را معاف نموده بودند. مسیو دوهارت و یک ابتدا شروع به مذاکره نموده به وزیر امور خارجه اشعار

نمود که ما به سمت نمایندگی دو دولت که بی‌اندازه مشتاق سعادت ایران هستند آمده‌ایم طریق خطرناکی را که ایران را گذارده‌اند در آن مشی نموده و روبه هرج و مرج برود به شما بنماییم.

این مسئله آتیۀ بسیار وخیمی در پیش دارد و امیدوار است که مشیرالدوله این را جزو مشاغل خود فرض نموده همکاران خود و مجلس را با جدیت تمام از اهمیت مواقع متنبه سازد.

پس از اختتام نطق مسیو دوهارت ویک من اظهار داشتم که با عقاید اودرباب اوضاع حالیه ایران موافقت تامه دارم و گمان می‌کنم که بهترین علاج این است که مابین شاه و اهالی احساس بهتری تولید شده و عدم اعتماد عامه نسبت به آن اعلیحضرت مرفوع گردد. بدبختانه ظاهراً هیچکس جرئت نمی‌کرد که برای دفاع شاه یک کلمه حرفی بزند. اعضای مجلس هیئت تربیت شده بااطلاعی نیستند و عقاید آنها در مسائل مالی مثلاً مثل عقاید بچه‌ها است ولی با اینحال هیچکس در صدد تصحیح عقاید آنها برنیامده و نسبت انجمنها با شاه بعینه شبیه به نسبت مردم با مجلس است. اخبار و شایعات که غیرمحمول بودن آنها بر همه واضح است علیه شاه منتشر گردیده یک مشت مردم جاهل مخالف بواسطه آنکه هیچیک از اولیاء امور زحمت تکذیب آن را بر خود هموار نمودند با اشتیاق تمام آن را قبول و تصدیق نمودند.

مشیرالدوله وعده داد که بیانات ما را از روی صداقت و امانت به همکاران خود و مجلس برساند.

همینکه اجازه مرخصی گرفتیم مسیو دوهارت ویک گفت گمان می‌کند مشیرالدوله بیانات ما را بطور صحت، آنطوری که دلخواه باشد، برساند و عقلاً اینطور صلاح دید که هر دو از عضدالملک ملاقات نموده و مطالب را به همان نهج به او عنوان نماییم. چون وعده ملاقاتی به مستر رابینو داده بودم نتوانستم فوراً به خانه عضدالملک بروم ولی پس از حرکت مسیو دوهارت ویک من هم زود خود را به آنجا رسانیده و همانطوریکه به مشیرالدوله اظهارات مطالب خود را نمودیم با ایشان هم مذاکره کردیم.

عقیده من اینست، و برای آن دلیل دارم، که مشیرالدوله مطالب ما را بطور صحت به رئیس مجلس اظهار داشت. من اقدام نمودم که یک نفر وکیل متدین بی‌ترس را که شرح مطالب ما را بطور صحت اظهار می‌داشت از بیانات و مقاصد خود مستحضر دارم. نمی‌توانم بگویم که از این اقدام نتیجه مطلوبه در راه تولید موافقت و مؤالفت مابین دو طرف بدست آمد یا نه.

صبح روز بعد (۴ شهر جاری) [۱۴ خرداد ۱۲۸۷؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] همینکه پس از مراجعت از طهران که برای کارهای شخصی آنجا رفته بودم به قلهک رسیدم قریب ساعت یازده از مجلس با تلفون به من خبر داده شد که شاه قریب ساعت ده از ارك خارج شده معلوم نیست به کجا رفته است. از قرار معلوم قریب ساعت نه و نیم قبل از ظهر مابین بعضی از قراولان قصر نزدیک دروازه حوالی اداره گمرک نزاعی به وقوع رسیده و فریاد زدند که شهر را باید غارت کرد. دسته‌جات سرباز آمده به این طرف و آن طرف شهر تاخت و تاز

نموده و در حین بهم خوردگی که از این کار بهم رسید شاه با عده معتبری از عساکر که دور او را محافظت می نمودند و با کلنل لیاخوف و مسیو شاپشال که این طرف و آن طرف کالسکه بودند بطرف باغشاه که در مغرب شهر واقع است رفت. همینکه معلوم شد شاه کجا رفته نظم اعاده گردید ولی مردم بسیار مشوش و مضطرب بودند.

بمجرد آنکه این اخبار به من رسید در زرگنده به سفارت روس رفته و چون مسیو دوهارت ویک به سفارت آلمان رفته بود من منتظر مراجعت او شدم. همینکه وارد شد اظهار داشت که این اخبار کمی بعد از ساعت ده بوسیله تلفون به او رسیده و از ترتیبی که پیش آمده بود اظهار خشنودی نمود چرا که تصور می کرد در باغشاه برای شاه وسایل امنیست بهتر از مرکز شهر موجود بود و امید داشت که شاه بزودی به نیاوران که در دامنه کوه واقع است عزیمت خواهد نمود.

شهر طهران بکلی آرام بود. قزاقان در کوچه گردش کرده و بازارها که از موقعیکه خروج شاه معلوم شد بسته بودند طرف ظهر باز گردیدند. اهالی بسیار مشوش بودند از اینکه شاه پس از آن چه اقدامی خواهد نمود و غیر معلومی جریان مسئله سرحدی به اشکالات و خوفهای حکومت موقتی افزوده در بین دو روز بعد مابین درباریان و وزراء و شاهزادگان و اعیان سرعت و متعاقب هم گفتگوها و مذاکرات بعمل آمده و روز شنبه بعد از ظهر (۶ شهر جاری) [۱۶ خرداد ۱۲۸۷؛ ۶ ج ۱ - ۱۳۲۶] وزیر امور خارجه از سفیر روس ملاقات نموده پس از مذاکره طولانی راجع به مسئله سرحدی با امیر بهادر جنگ صحبتی نموده نتیجه این شد که او فردا صبح آن روز از سفارت خارج گردید.

مسیو دوهارت ویک مرا اطلاع داد که مشیرالدوله اطمینانات کافی از بابت امنیت امیر بهادر جنگ به او داده و بنابراین دلیل دیگر نبود برای آنکه او زیاده بر این در تحت بیرق روس خود را محفوظ دارد. امیر بهادر جنگ فوراً بطرف قصر مراجعت نمود.

بعد از ظهر ۷ ژون [۱۷ خرداد ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۱ - ۱۳۲۶] کابینه آخر الامر تشکیل گردیده وزرای جدید به مجلس آمدند ولی چون مراسم معرفی آنها بطور محرمانه بعمل آمد مسئله تشکیل آنها بطور عموم بر همه معلوم نگردید.

طرف مغرب هرمز میرزا به قلهک آمده مرا اطلاع داد که برادرش جلال الدوله و علاء الدوله و سردار منصور و عضدالملک را شاه دستگیر نموده و نیم ساعت پس از آن شخص دیگری آمد و همان خبر را داده علاوه نمود که سه نفر از حبسیهای اولی را در زیر غل و زنجیر کرده با کمال بی شرافتی با آنها رفتار شده است. هردو از من تحقیق نمودند که آیا برای استخلاص جلال الدوله چنانچه برای ناصرالملک اقدام نمودم کاری خواهم کرد یا نه.

من اظهار داشتم که موارد مختلف می باشد و برای آنکه از بابت جلال الدوله مداخله بنمایم هیچ سبب و علتی نداشته و چون اینطور شهرت داشت که او در انقلاب اخیر شرکت مهمی نموده بود این مسئله ممکن نبود و در هر صورت دلیلی برای اینکه جان او در معرض خطر باشد در دست نیست و در حقیقت هرمز میرزا مسئله دستگیری برادر خود را ابتدا بطور شوخی بیان کرد. هردو اینها اشاره نمودند که امکان دارد متحصنین قهراً داخل سفارتخانه

شهر شوند و از من تحقیق نمودند در اینصورت چه قسم عمل خواهم کرد. صبح روز بعد دونفر غلامان معتمد به شهر فرستادم که درهای سفارت را بسته همانجا مواظب باشند و هر گاه کسی بخواهد بست اختیار نماید با تلفون به من خبر رسانند. سپس معلوم گردید که شاه علاءالدوله و جلالالدوله و سردار منصور و سایرین را به قصر احضار نموده ابتداء اینها میل به اطاعت امر او را ننموده لیکن عضدالملک گفته است که او حفظجان آنها را نظر به مراسله اطمینان بخشی که شاه به عنوان او فرستاده ضمانت نمی نماید و علیهذا آنها قبول رفتن به حضور شاه را نمودند و دسته‌ای از عساکر تا باغشاه به همراهی آنها رفته به آنجا رسیدند. شاه آن سه نفری را که تصور می نمود محرکین عمده انقلاب برای اخراج درباریان بوده اند توقیف نموده است. شفاعت عضدالملک در حق آنها بی نتیجه بود و اظهار داشت که خود را شریک بخت محبوسین خواهد نمود و علیهذا در قصر توقف نمود.

اینکه می گویند در باغشاه و در موقع مسافرت بطرف مازندران با محبوسین مذکور بطور سخت رفتار شده ظاهراً بکلی کذب است.

هیچ گفتگویی نیست که شاه کاملاً حق داشت در مورد علاءالدوله و جلالالدوله سوءظن برد ولی دستگیری سردار منصور اسباب تعجب عموم واقع گردید. این شخص سال گذشته مدیر کل تلگرافات بود و از قراری که تصور می شد در پلتیک مملکتی دخالت نداشت. مسیو دوهارت ویک مرا اطلاع داد نمی تواند حدس بزند دلیل دستگیری او با آن دونفر چه بوده. من به سفیر موسوم اظهار داشتم که چون سردار منصور دارای نشان انگلیس است من خود را مجبور می بینم به اینکه از بابت بی احترامی که به او وارد آمده تحقیق نمایم ولی فعلاً پیشنهاد نمی کنم که برای تحقیق به یک طریقی فشار بیاورم که حمل به مداخله از طرف من در مورد او شود. تا آن اندازه که از علاءالسلطنه به من مفهوم شده از قرار معلوم او در اتاقهای بالاخانه عضدالملک در اقدامات مهمه شرکت نموده و مسئله آمدن او قبل از ورود سایرین بر شاه اینطور ثابت نموده که محرك عمده نقشه برضد او بوده است. در انتظار ایرانیان داشتن نشان... البته به من حق می دهد که برای تحقیق تقصیر او فشار آورم ولی چون اینکار به اقدام برای استخلاص او تعبیر خواهد شد صلاح دانسته ام که از هر اقدامی که صورتاً شبیه به مداخله در امور داخلی باشد احتراز نمایم [نمایم]. من پیشنهاد می کنم که به علاءالسلطنه بفهمانم که من انتظار دارم از بابت تقصیر سردار اقناع شوم.

متعاقباً این اوضاع دو مرتبه تجدید شده و اخبار بسیار متضاد شیوع یافت. انجمنها ظاهراً از صلاحیت مداومت در کشش و کوشش خود تردید داشته و مجلس و هیئت وزراء ظاهراً مایل نبودند که اوضاع کسب شدت فوق العاده نماید. روز چهارشنبه صبح (۱۰ شهر جاری) [۲۰ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۰ ج ۱ - ۱۳۲۶] اعضای انجمنها بطرف محل اجتماع سابق خود که مسجد سپهسالار باشد هجوم آورده و دسته‌ای قراول قوی در میدان توپخانه چادر زده شب و روز در کشیک بودند و تا مدتی اینطور بنظر می آمد که

مناظر و وقایع ماه دسامبر می‌خواهد دومرتبه تجدید شود ولی شهر بطور آرامی باقی بود و بازارها یکی دو دفعه بطور موقت بسته شد و اقدامی که شاه برای خلع اسلحه و تفنگ مردم نموده بود موقوف شد و چنان می‌نمود که شاه در باغشاه که دسته قراولان آن را محافظت نموده و عده قوی عساکر با دوعراده توپهای صحرائی آنجا بودند بهمین طور در عزم خود ثابت نبود. از قرار مذکور او دستگیری و محاکمه رؤسای عمده ملی از قبیل تقی‌زاده و ملک‌المتکلمین و مستشارالدوله و سید جمال را مطالبه نموده بود و از طرف دیگر انجمنها در نظر داشتند که از او درخواست نمایند بگذارند علاءالدوله و دونفر از همراهان او که در تحت عده زیاد مستحفظین به مازندران فرستاده شده بود به طهران عودت داده شده و از آنها محاکمه شود.

طرف‌ظهر جمعه (۱۲ شهر جاری) [۲۲ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۲ ج ۱۳۲۶] شاه دستخطی به دست یکی از صاحب منصبان داده بهمراهی سی نفر سر باز به مجلس و نزد وزراء رفتند اعلام نمودند که هرگاه اجتماع مسجد از هم متفرق نشوند به قوه قهریه آنها را متفرق خواهد کرد. اگر چه این تهدید [و] اعمال و اجرای آن بهیچوجه صورت وقوع نمی‌یافت کافی بود. پس از مذاکرات محرمانه مختصری، در حالیکه درهای مجلس مسدود بود، دسته کوچکی از اعضاء با رئیس مجلس در جلو آنها بطرف مسجد شتافته از مردم استدعا نمودند به‌خانه‌های خود بروند. پس از اتمام نطق رئیس مجلس تقی‌زاده نطقی نموده این سرکرده بزرگ از مردم ملتمس شد که بدون اینکه از جهات و اسباب اینکه چرا او موافقت آنها را لازم می‌داند درخواست رئیس را قبول نمایند. مردم این درخواست را بطور آرامی اطاعت نموده و اعضای انجمنها شروع به خروج از مسجد کرده و اعلان بزرگی را که بموجب آن در دوازده مورد شاه را به نقض اتیان قسم در حفظ مشروطیت معرفی کرده و به دیوار چسبانیده بودند همراه بردند. علاءالسلطنه که بعد از ظهر به ملاقات من آمد از نتایج مطلوبه خشنود می‌نمود و تصور می‌کرد که تا مدتی امورات به یک طوری فیصله شده است. طرفداران مشروطیت چون تصور می‌کردند که مجلس به آمال آنها خیانت کرده بی‌اندازه افسرده حال بودند. یحتمل نصایح مجلس بجا بود چرا که شاه بخوبی می‌توانست یقین نماید که اجتماع عده کثیری از مردم مسلح برای امنیت عمومی و یا برای شخص او خطرناک بوده و حق آنرا داشت که به قوه قهریه آنها را متفرق نماید و حال آنکه حالا که مردم به خانه‌های خود مراجعت نمودند عذری برای او باقی نخواهد ماند که چنین اقدامی را بنماید. با این تفصیل بزودی مفهوم گردید که مظفریت ظاهری شاه عمقی نداشته و روز یکشنبه صبح (۱۴ شهر جاری) [۲۴ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۱۳۲۶] بازارها و دکانین دوباره مسدود گردیده معلوم شد که مخالفت هنوز به انتها نرسیده و سرکردگان هیجان ملی در فکر آن بودند چطور کشمکش را به وسایل موافق قوانین مشروطیت و بطور مسالمت‌خاتمه دهند. از قرار معلوم شاه با قلبی سخت حاضر و مہیای اقدامات شدید شده بود و از منبرالدوله مبلغ گزافی (۱۰,۰۰۰ لیرا [لیره]) گرفته و بواسطه آن سعی داشت که از دادن اضافه حقوق به تابعین و صاحب‌منصبان آنها حسن خدمت و وفاداری آنها را بطرف خود جلب نماید روزی چهار قران به تائینها و

پنج قران الی یک تومان به صاحب منصبان و بعلاوه شروع نمود که از طبقه پست اهالی شهر تشکیل استعداد دیگری داده و باغ شاه رامبدل به یک اردوگاه منظم و مساحی نمود ولی تا ظهر روز دوشنبه (۱۵ شهر جاری) [۲۵ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۶] کسی را دستگیر نمودند. آنوقت سلیمان میرزا رئیس انجمن برادران دروازه قزوین و سایر اعضای مهم آن گرفتار شدند. شخص اولی که یکی از مأمورین وزارت جنگ است متهم شد به اینکه از قورخانه تفنگ و اسلحه دیگر بیرون داده و از قرار مذکور قرار بود برای محاکمه تسلیم دولت شود.

در این منوال سرکردگان ملی تصمیم اتحاد رویه مسلک برای خود کرده و از شاه استدعا نمودند که هیئتی مرکب از ۶ نفر از اعضای مجلس را بپذیرد و این هیئت قرار بود یادداشتی که حاکی اتیان قسم‌های مختلفه شاه برای مشروطیت باشد به او عرضه داشته از وی خواهش نمایند که با مجلس موافقت نماید چرا که اگر غیر از این باشد نمایندگان ملت به وظایف ملی و مملکتی خود نمی‌توانند عمل نمایند. شاه از پذیرفتن این هیئت سرباز زده تا بعد از ظهر سه شنبه (۱۶ ژون) [۲۶ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۱ - ۱۳۲۶] پس از آنکه مطالب یادداشت مذکور را با صدای بلند خودش خواند جواب داد همین حالا نمی‌تواند جواب قطعی بدهد ولی مستمعین را متذکر نمود که قاجاریه ایران را به قوه شمشیر بدست آورده و قصد او این است که آن را به قوه شمشیر حفظ نماید.

وزیر امور خارجه را که بعد از ظهر ۱۶ ژون ملاقات نمودم و بطور واضح و ساده برخلاف عادت معمول خود صحبت می‌نمود اظهار داشت که او موقع را خیلی مهم می‌داند و مذکور داشت که از تمام نقاط مملکت تلگرافات تهدیدآمیز علیه شاه می‌رسد و آنچه وزراء به قصد انصراف شاه از تعقیب این طریقه و روش خطرناک به او اظهار می‌داشتند بی‌نتیجه بود. من اظهار داشتم که به عقیده من هرگاه پس از دستگیری علاءالدوله و دو نفر همراهان او آنها را برای محاکمه به وزارت عدلیه تسلیم نموده بود مقام شاه از حالیه خیلی محکم‌تر می‌شد و شاید هنوز هم وقت این کار نگذشته است و هرگاه چنین رفتار نموده بود دلیل واضحی بود بر اینکه شاه می‌خواهد موافق قوانین مشروطیت عمل نماید و بواسطه دستگیری آنها به مردم واضح نموده است که دارای قوه کافی است که از خود دفاع نماید. علاءالسلطنه اظهار داشت که وزراء به هر طریقی که به نظرشان رسیده با شاه صحبت نموده‌اند که او را ترغیب به اعمال ارائه طریقی که من نمودم بکنند ولی نتیجه نبخشیده است و از من سؤال نمود آیا می‌توانم به یک وسیله همین نصایح را در قصر به او برسانم. من به او گفتم در این مسئله غور نموده ملاحظه خواهم کرد ببینم می‌توان کاری کرد یا نه.

در عرض هفته گذشته چندین تلگراف از شهرهای ایالات رسیده از سفارت قلمس شده‌اند که به معاونت مشروطیت که ایجاد آن بواسطه همدردی و همراهی بریطانیای عظمی شده اقدام نماید. من مستقیماً به هیچیک از این تلگرافات جوابی نداده‌ام ولی در یکی دو مورد همینکه می‌دیدم جوابی از طرف سفارت ممکن است باعث تسکین گردد به قنصلهای اعلی حضرتی دستورالعمل داده‌ام که اگر از او [ایشان] درخواست مطالبه جواب شود اظهار نمایند که انگلستان در مقام یک دولت مشروطه همیشه لازم است که با هیجانهای برای

مشروطه همدردی داشته باشد ولی مناسب و صحیح نخواهد بود که آن دولت در امورات داخلی ملت آزاد و مستقلی دخالت نماید و در هر صورت ایران مطمئن باشد که مودت انگلستان نسبت به ایران کما فی السابق مستحکم است.

نمره - ۱۷۶

ملخص مکتوب مستر مارلینگک به سرادوردگری (واصله ۶ ژوئیت)

قلهک ، ۱۸ ژون ۱۹۰۸

[۲۸ خرداد ۱۲۸۶ : ۱۸ج ۱۳۲۶]

با وجود اینکه ایران در واقع وزرائی نداشته اوضاع عمومی مملکت بدتر نبوده شیراز بواسطه کفایت ظل السلطان منظم گردیده و شهر و ایالت فارس ظاهراً آرام است. برعکس در کرمانشاه بی نظمی و بی ترتیبی بطور عموم شیوع دارد و در سلطان آباد و نواحی اطراف آنجا قالیباف [های] کمپانی ذیقلر [زیگلر] ابراز میل به برهم زدن کنترانهای خود نموده اند و بهرام میرزا حاکم آنجا ظاهراً بکلی قدرت این را ندارد که حقوق کمپانی ذیقلر را محفوظ دارد. چنانچه کفیل رئیس اداره تلگراف هند و انگلیس اطلاع می دهد در کرمان هم همین اواخر یک روز جنگ بین دو طرف مخالف بوقوع رسید ولی چون قنسول اعلی حضرتی راپورت آن را نداده تصور می کنم واقعه عمده رخ ننموده است.

حضور بستیها در اداره تلگراف هند و انگلیس یزد که قریب سه هفته بطول انجامید اسباب تشویش زیاد خیال من گردید چرا که اجماع مردم متعصب ممکن است چنان تغییر حال داده دیوانه شوند که چنانچه در یزد اتفاق افتاد دوسه نفر مرتکب خودکشی گردیدند و در هر لحظه وقوع یک حادثه بزرگ تأسف انگیزی امکان داشت و بعلاوه برای دولت ایران اشکال داشت در مورد آنها سخت گیری ننماید چرا که رعایا برای منع پرداخت مالیاتی که از هشتاد سال به این طرف می پرداختند مشغول تهییج مردم بودند و البته قصد و مطالبه آنها بکلی ناحق بود.

اگر چه شاه بواسطه بستن ادارات تلگراف طهران کوشش کامل نموده که از شیوع اخبار وقایع اینجا به اطراف جلوگیری نماید در این کار چندان موفقیتی حاصل نموده و اهالی ایالات و ولایات با دقت تمام مواظب وقایع پایتخت می باشند و در میان مردم هیجان زیادی پیدا شده و از شهرهای بزرگ اطراف تلگرافات رسیده و عده همراهی مسلح با مشروطیین داده اند. خیلی مشکل است بگوئیم تا چه اندازه می توان به این تلگراف اهمیت داد یا تا چه اندازه این تلگرافات نماینده عقاید عامه اهالی مملکت می باشد. من شخصاً شك زیاد دارم از این که زیادتر از چهار شهر، که قزوین ورشت و تبریز و اصفهان باشد، حقیقتاً دستجاتی اعزام نمایند مگر اینکه شاه بکلی برخلاف عقل رفتار نموده و واقماً به مجلس حمله نماید و محتمل است که اکثر تلگرافاتی که زیاده بر شاه اثر کرده از طرف وطن پرستان اسمی بی مغز که نام خود را انجمنهای محلی گذارده اند مخابره گردیده. مقصود من این نیست که برای شاه خطری از این

تهدیدات متصور نمی‌شود. این مسئله بسته به تناسب است چرا که هرگاه عده آنهایی که برای خلع شاه داد و بیداد می‌کنند کم باشد عده اشخاصی که از روی میل برای نجات و استخلاص او کمکی به او خواهند نمود خیلی کمتر می‌باشد. اکثریت اهالی مملکت گمان می‌کنم بیطرف هستند و فقط می‌خواهند حکومتی که اسباب امنیت معتدلی فراهم آورد تشکیل شود ولی اگر به آنها فهمانیده شود که در تحت شاه حالیه تشکیل چنین حکومتی امکان ندارد به سهولت ممکن است آنها را بهیجان آورد که با سایرین در داد و فریاد برای خلع او شریک گردند. این مسئله در پایتخت فرق دارد. در طهران عده کثیری از مردم هستند که از مشروطیت آنقدر فواید و منافع انتظار دارند که خودشان هم اندازه آن را نمی‌دانند و بطور حتم برای آنها ثابت است که در تحت سلطنت محمدعلی به آرزوها و آمال خویش بهیچوجه نائل نخواهند گردید. این دسته مردم با آنکه جاهل هستند دارای صمیمیت کافی می‌باشند و سرکردگان انجمنهای عمده در میان آنها یافت می‌شود و این انجمنها نفوذ کامل در جریان اوضاع داشته انجمنهای بزرگ بقدر کفایت متدین هستند ولی بسیاری از کوچکترهای آنها فقط برای پیشرفت مقاصد و اغراض شخصی تشکیل گردیده‌اند. بدبختانه تمام انجمنها از این صفت مذموم مداخلات فضولانه در امورات در صدمه هستند و چون عموماً بطور تهدید هم مداخله می‌نمایند و در حقیقت اگر آنهایی که تهدید به ایشان می‌شود قدری جرأت بخرج می‌دادند به تهدیدات آنها اعتنائی می‌شد. حکومت کرمان اصلاً غیر ممکن شده ولی وزرای ایران، یا لاقلاً آنهایی که در این هشت ماه اخیر سر کار بودند، بدبختانه حتی آنقدر جرأت کم لازم را نداشته‌اند و نتیجه این شده که تندروی انجمنها تا نقطه‌ای تشویق شده که در واقع اختیارات نمایندگی اعضای مجلس را غصب نموده‌اند. در واقع انجمنهای نیم‌سری و پلتیکی بکلی غیر مسئول طهران یک نوع حکومت می‌کنند نه اینست که نفوذ انجمنها بکلی بدباشد و برعکس تاکنون این انجمنها یک پشتیبان و حامی پارلمان برضد مستبدین بوده‌اند ولی همینکه اقتدارات خود را درک نمودند اغلب اوقات آن را سوءاستعمال نمودند و بعضی اوقات، ولی نه غالباً، در مسائل مهمه آنرا از روی میل سوء استعمال می‌کردند ولی اکثراً و اغلباً از روی جهالت صرف بود.

نمره - ۱۷۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۶ ژوئیت)

قلهك ، ۱۹ ژون ۱۹۰۸

[۲۹ خرداد ۱۲۸۷ : ۱۹ ج ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً خلاصه وقایع چهار هفته اخیر ایران را بطریق معمول ماهیانه لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضاء) ارست گای

ملفوف ندره ۱۷۷

خلاصه وقایع ماهیانه - طهران

وقایعی که در عرض چهار هفته گذشته در ایران روی داده در مکتوب ۱۷ ژون مستر مارلینگ مشروحاً مذکور گردیده است. کابینه جدید که در ۷ ژون [۱۷ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۳۲۶ - ۱۳۲۶] به مجلس معرفی شد مرکب از اشخاص ذیل است:

مشیر السلطنه	وزیر داخله و رئیس الوزراء
صنیع الدوله	وزیر مالیه
علاء السلطنه	وزیر امور خارجه
محتشم السلطنه	وزیر عدلیه
مستوفی الممالک	وزیر جنگ
مشیر الدوله	وزیر معارف
مؤتمن الملك	وزیر تجارت و فواید عامه
امضاء چرچیل، منشی السنه شرقی	

اصفهان

در ۱۷ مه [۲۷ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۶] نمایندگان انجمنهای پلیکی مختلفه در محل اجلاس انجمن محلی برای رفورم انتخاب اعضای آن هیئت و تحصیل امنیت طرق و شوارع و تنبیه اشخاصی که علیه مشروطیت صحبتها کرده بودند و تأسیس محکمه عدلیه و مرفوع داشتن عادت بست اختیار نمودن به مساجد و خانههای علماء رفته پناهنده شدند. پس از قدری مذاکره حاکم و انجمن محلی باتقاضاهای آنها موافقت نموده و در ۲۲ مه [اول خرداد؛ ۲۱ ع ۲] متحصنین مذکور از عمارت انجمن خارج گردیدند. این هیجان در نفس الامر علیه آقاجفی که یکی از مستبدین است بعمل آمد و از او نوشته گرفته شد که با اصلاحات مذکور موافقت نماید.

در ۲۸ مه [۷ خرداد؛ ۲۷ ع ۲] پانصد نفر از دهاتیان رینان که در تردیکی اصفهان واقع است در قنصلخانه انگلیس بعلت مالیات گراف که از آنها مطالبه می شد متحصن شدند. آقاجفی آنها را به ترک قنصلخانه تحریض نمود ولی از آنطرف آنها را تشویق نمود که تازمانی که حکومت آنها را به فرستادن توپ به دهاتشان تهدید می کند از پرداخت مالیات امتناع ورزند.

پست اصفهان را سارقین در ۱۹ مه [۲۹ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۶] نزدیک طرق زدند. در غره هم چهارصد رأس گوسفند را در تردیکی قمشه بسرقت بردند.

یزد

در ۲۲ مه [یکم خرداد؛ ۲۱ ع ۲] دهاتیان به اداره تلگرافخانه آمده خواستند در آنجا بست اختیار نمایند. در ۲۰ مه [۳۰ اردیبهشت؛ ۱۹ ع ۲] دونفر از آنها بر خود نفت

ریخته و خود را آتش زده بودند و سه نفر خود را از بالای يك مناری به زمین انداخته یکی از آنها تلف شد.

تلگرافی از وزیر مالیه رسید که يك قسمتی از مالیاتی که مطالبه شده مرفوع شود ولی قبول نگردیده رد شد. در ۲۴ مه [۳ خرداد؛ ۲۳۲۳] چون از طرف مجلس جوابی نرسید با ازدحام به تلگرافخانه ریختند. در ۲۶ مه [۵ خرداد؛ ۲۵ ۲۴] رئیس انجمن به تمام علمای یزد تلگراف نموده آنها را برای آنکه گذارده بودند مردم به اجانب متوسل شوند سرزنش نموده به آنها تعلیم دادند که مردم را وادارند از تلگرافخانه خارج شوند ولی مردم به جای خود باقی مانده در ۲۹ مه [۸ خرداد؛ ۲۸ ۲۴] بعضی از آنها از آن محل خارج شدند ولی سرکردگان و اکثریت آنها در آنجا ماندند. در ۳۰ مه [۹ خرداد؛ ۲۹ ۲۴] باز هم دهاتیان روبه شهر آورده سه چادر برپا کردند. در ۳ ژون [۱۳ خرداد؛ ۱۳ ج ۱] دسته‌ای از این مردم خواستند رئیس بانک شاهنشاهی را که در کوچه با او ملاقی شدند به عنوان گروگان توقیف نمایند ولی آنها را از این خیال منصرف نمودند. سپس تلگرافی از شارژ دافر اعلیحضرتی واصل شد مشعر بر اینکه وزراء مشغول اقدامات می‌باشند و مردم در استماع آن خاموش بودند و از انجمن مطالبه جواب می‌نمودند. در ۴ ژون [۱۴ خرداد؛ ۱۲۸۷؛ ۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] تلگرافی از شارژ دافر رسید مشعر بر اینکه انجمن تصمیم نموده بودند مالیات مذکور را وصول نمایند و این اسباب تسکین مردم گردید. در ۶ ژون [۱۶ خرداد؛ ۱۶ ج ۱] سرکردگان آنها با اشکال آنها را وادار نمودند بگذارند در اداره تلگرافخانه باز شود و گبرها مجبور شدند خود را در هیجان شریک نمایند و همینطور اتصالاً به آنها ملحق می‌شدند. حاکم بی‌قدرت بود ولی می‌خواست عده‌ای محرکین را که [صاحبان] بعضی از داکینی را که اوامر به باز کردن داده بود و آنها بسته بودند دستگیر نماید چون اینها در تلگرافخانه بودند مستر بلک من برای آنکه مبادا خونریزی شود او را از این اقدام منصرف نمود. بانک شاهنشاهی بسته بود چرا که اگر باز می‌شد شاید اسباب اغتشاش فراهم می‌آمد. در ۱۰ ژون [۲۰ خرداد؛ ۱۰ ج ۱] از رئیس مجلس و وزیر مالیه تلگراف رسید که وصول این مالیات تا ورود کمیسیون تفتیش به تعویق انداخته شود. سرکرده این جمعیت به شارژ دافر اظهار تشکر نموده روز بعد جمعیت کمتر شده ولی از آنجائی که از صحت و سقم تلگرافات واصله مشکوک بودند [بعضی] از آنها آنجا ماندند. در ۱۲ ژون [۲۲ خرداد؛ ۱۲ ج ۱] با وجود آنکه تمام آن جمعیت از اداره تلگرافخانه خارج شده بودند سرکرده آنها آنجا ماند.

کرمانشاه

تمام نقاط کرمانشاه در عرض ماه مه به علت کارهای ایلات که یا مشغول غارت مسافرین و یا جنگ‌مایین خود بودند خیلی مغشوش بود. ظفرالسلطنه حاکم جدید نرسیده بود و شهر به حال اغتشاش باقی و تجارت متروک گردیده بود.

نمره - ۱۷۸

مکتوب مستر اوبرن به سرادواری (واصله ۶ ژوئیت)

سنت پترزبورغ، ۲ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۳ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

درباب تلگراف ۳ شهر جاری من افتخاراً عرض می‌کنم دیروز با وزیر امور خارجه ملاقات نموده و در باب امور طهران مذاکره نمودم.

جناب محظّم له یادداشتی را قرائت نموده و به من دادند. این یادداشت مشعر بود بر اینکه بمجرد آنکه من درخواست نمودم که دولت امپراطوری روسیه در مطالباتی که دولت ایران می‌نمایند همراهی نمایند به سفیر روس فوراً تلگرافی تعلیم داده شد که با تقاضاهای مستر مارلینگ تقویت جدی نمایند. دولت روس چنانچه در آن یادداشت نگارش یافته از اطمیناناتی که شما درباب پلنیکی که دولت اعلیحضرتی در بحران ایران تعقیب می‌نمایند داده‌اید امتنان دارد و دولت روس اظهار می‌دارند که آن دولت کما فی السابق خود را پای بند قرار و مداری که مابین دولتین در مسئله ایران و عدم مداخله در امورات داخلی آن داده شده می‌دانند و مجدداً به مسیو دوهارت ویک امر داده‌اند که به کار گذاران روس مقیم طهران دستورالعمل داده شود که نسبت به سفارت انگلیس بطور دوستانه سلوک نمایند.

(امضا) هیو اوبرن

نمره - ۱۷۹

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۶ ژوئیت)

طهران ، ۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

شاه تمام تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول می‌کند ولی در باب تقاضائی که برحسب ماده ۴ شده آن اعلیحضرت می‌خواهد چند نفر از بستیها از مملکت اخراج شوند. عده آنها از سه یا چهار متجاوز نخواهند بود.

گمان می‌کنم موافقت بامیل شاه باعث رفع علل محتمله اشکالات آتیه خواهد گردید. مدت غیاب این اشخاص از ایران گمان می‌کنم به یک سال باید محدود شود و اینطور باید شرط شود که هر یک از اینها تا زمانی که از هرگونه اقدامی علیه شاه احتراز کنند در مراجعت پس از انقضای مدت مرقوم کسی مزاحم و نخواهد شد. آنهایی که قبل از انقضای این مدت مراجعت کنند البته خود مسؤل خطرات وارده خواهند بود. هرگاه یک مدت معینی برای آن قرارداد نشود متحصنین محکوم به نفی ابدی خواهند شد. ممکن است بعضی از متحصنین از قبول شرایطی که بالاخره مابین دو دولت برقرار

شود امتناع ورزیده محض آنکه سفارت اعلیحضرتی را آلت پیشرفت مقاصد پلتیکی خود قرار دهند به خروج از آنجا مایل نباشند. هرگاه اشخاص مذکور را به دولت ایران تسلیم نماییم تأثیر آن در ایران برای ما غیر مستحسن خواهد بود و از وصول تعلیمات شما در این باب خشنودخواهم گردید.

وزیر امور خارجه سوادی از مضمون ترضیه‌ای را که بنا است بخواهد قبلاً به من ارائه خواهد نمود که تصویب کنم. اگر اعتراضی ندارند من خشنود خواهم بود که با میل جناب معظم له در خصوص اینکه ایشان و نماینده شاه علیحده ترضیه بخواهند موافقت نمایم. جناب معظم له از ابتدا تا انتهای این امر کوشش داشته‌اند که با من همراهی کنند و من می‌خواهم ایشان را باین وسیله ممنون سازم.

نمره - ۱۸۰

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۶ ژویت)

طهران ، ۶ ژویت ۱۹۰۸

[۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

در دویم شهر جاری، مؤید الدوله که قبل از حوادث ۲۳ شهر ماضی [۲ تیر؛ ۱۳۲۳] به حکومت منصوب بود و اسماً تاکنون به عهده خود برقرار بود دو مرتبه به حکومت تعیین گردید.

نمره - ۱۸۱

تلگراف سرادوارگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۶ ژویت ۱۹۰۸

[۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

متحصنین سفارت

راجع به تلگراف ۵ ژویت شما می‌توانید ترضیه جداگانه را قبول نمایید. دولت اعلیحضرتی پیشنهاد شما را در اینکه در صورتیکه متحصنین از مملکت خارج شوند باید مدت تبعید آنها معین باشد قبول می‌نمایند. همچنین این شرط را که در صورتیکه هر يك از آنها در مراجعت در اقداماتی خود را شريك ننمایند کسی مزاحم آنها نشود تصویب می‌نمایند. هرگاه مدت يك سال کافی نباشد ممکن است به يك مدت زیادتری رضا دهیم.

هر يك از متحصنین را که از ترك سفارت امتناع می‌ورزد اطلاع دهید که نمی‌توان آنها را اجازه توقف داد ولی ترتیبی داده خواهد شد که در خروج از مملکت به آنها بدرفتاری نشود. نمی‌توان در تحصن سفارت تا مدت غیر معینی دوام داد و این کار باعث مداخله در پلتیک و امور داخله مملکت خواهد شد و فقط در مواقعی که خطرات جانی عاجل متصور است می‌توان بطور موقت برای حفاظت اجازه به آن داد.

تلگراف سرادواری به مستر مارلینگ
نمره - ۱۸۲

وزارت خارجه ، ۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ - ۲ج۷ ؛ ۱۲۸۷ تیر ۱۵]

مستحفظین نزدیک سفارت
راجع به تلگراف ۵ ژوئیت شما تا زمانی که نزدیک سفارت مستحفظین برقرار می باشد ترضیه قبول نخواهد شد و هرگاه آنها را بفوریت و بالتمامه بر ندارند دیگر تصور نمی کنم تقاضاهایی که از طرف ما شده در این مورد مکفی باشد . وزیر امور خارجه را از این مسئله مستحضر سازید.

نمره - ۱۸۳

تلگراف سرادواری به مستر اوپرن

وزارت خارجه ، ۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ - ۲ج۷ ؛ ۱۲۸۷ تیر ۱۵]

مستحفظین دور سفارت طهران

شما باید مسیو ایزوالسکی را از مضمون تلگرافی که در ۶ ژوئیت به مستر مارلینگ مخابره نموده ام مستحضر داشته و از ایشان درخواست نمایید که تعلیمات جدی به سفیر روس برسانند که با اظهاراتی که مستر مارلینگ باید بکند تقویت نمایند.

نمره - ۱۸۴

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ، ۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۳۲۶ - ۲ج۷ ؛ ۱۲۸۷ تیر ۱۵]

آیا امکان دارد که با دولت روس درباب این پیشنهاد که بالاتفاق اظهاری به شاه نموده او را به انعقاد پارلمان به همین زودیها دعوت نمایید مذاکره ای شود؟ با جرأت ارائه طریق می نمایم که چنین اقدامی از طرف ما مستحسن واقع خواهد شد. در عرض سه ماه قبل از انتخابات ناصحین شاه امیدوارند که بواسطه تشکیل مجلس سنا که در قانون اساسی ذکر شده از آن رفته و اجرای قانون جدید انتخابات تغییر در اساس مشروطیت بدهند. گمان نمی کنم که مجلس حالیه با این قسم نقشه ها که هیئت وزراء پیشنهاد نمایند مخالفت کند و هر قسم نقشه ای که ظاهراً مراعات قوانین مشروطیت را بنماید و حتی یک پارلمان ناقص آن را تصویب کند زیاده باعث اطمینان اهالی مملکت خواهد شد.

نمره - ۱۸۵

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ، ۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۸ج ۲-۱۳۲۶]

عساکر دور سفارت اعلیحضرتی

راجع به تلگراف ۵ شهر جاری من ، عساکر دیگر دور سفارت گردش نمی کنند .
مسیو دوهارتویک بطور سخت به دولت ایران اصرار می کند که با تقاضاهای مامواقتت
نمایند.

نمره - ۱۸۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۷ ژوئیت)

طهران ، ۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۸ج ۲-۱۳۲۶]

وزیر امور خارجه دیشب محض اطلاع شخص من مسوده جواب مراسله ای که درباب
تقاضاهای دولت اعلیحضرتی به ایشان نوشته بودم برای من فرستادند.
مضامین مسوده مذکور بکلی موافق دلخواه نبود و من ارائه طریق نموده ام که بسیاری
از آنها را تغییر داده عبارت دیگر به جای آنها بنویسند.
ابتدای نوت حالیه اظهار تأسفی است که از وقوع اعمال ناشایسته شده و نسبت آنرا
به مأمورین جزو داده اند و بعد از آن بطور ساده بیان می کند که دولت علیه پنج فقره
تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده اند و از طرف شاه اظهار میل می کند به این که
بعضی از متحصنین باید از ایران اخراج شوند.
تلگراف ۶ ژوئیت شما متعاقب آن برای من رسید.

نمره - ۱۸۷

تلگراف مستر اویرن به سرادواردگری (واصله ۷ ژوئیت)

سنت پترز بورغ ، ۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۸ج ۲-۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۶ شهر جاری شما مسیو اینزوالسکی مرا اطلاع می دهد که فوراً بطریقی
که میل شما است تلگرافی به سفیر روس مقیم طهران دستورالعمل خواهد داد.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگک

وزارت خارجه ، ۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۰ ج ۲-۱۳۲۶]

بی‌احترامی به سفارت

در باب تلگراف ۸ شهر جاری شما لطف نموده راپورت دهید که تا چه وقت شاه و دولت ایران محتمل است با تقاضاهای ما موافقت نمایند و ترضیه‌ای که از طرف دولت اعلیحضرتی مطالبه شده بخواهند (رجوع به تلگراف غره شهر جاری من نمائید). دیگر برای ما ممکن نیست که بیش از این تأخیر در قطع عمل این شرط را جایز بدانیم.

نمره - ۱۸۹

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۹ ژوئیت)

طهران، ۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۱۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۰ ج ۲-۱۳۲۶]

تقاضاهای دولت اعلیحضرتی

راجع به تلگراف ۷ شهر جاری من، وزیر امور خارجه یادداشتی برای من فرستاده تغییرات لازمه را بنابر ارائه طریق من داده و تقاضاهای دولت اعلیحضرتی را قبول نموده است.

مضمون عبارت ترضیه و وثیقه که شاه برای جان و مال و شخص پناهندگان داده به نظر من موافق دلخواه است. روز شنبه مقرر شده است که ترضیه بطور رسمی خواسته شود.

نمره - ۱۹۰

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۱۱ ژوئیت)

طهران ، ۱۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۰ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۲ ج ۲-۱۳۲۶]

امروز صبح وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران و وزیر دربار از جانب شاه بر طبق شرایطی که من تصویب نموده بودم رسماً معذرت خواستند. امید من این است که اکثر پناهندگان تا یک روز دیگر از سفارت خارج خواهند شد. وزیر دربار نیز از طرف شاه به من پیغام شفاهی او را درباب اینکه شرایط مقرر رابدون کم‌وزیاد مراعات خواهد نمود برای من نوشت.

نمره - ۱۹۱

تلگراف مستر مارلینگک به سرادواردگری (واصله ۱۱ ژوئیت)

طهران ، ۱۱ ژوئیت ۱۹۰۸ [۲۰ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۲ ج ۲ - ۱۳۲۶]

بستیهای سفارت شاه همین الان پیغامی برای من فرستاده اند درضمن آن اعلیحضرت اظهار میل می کنند که اولاً در مورد شش نفر از بستیها مدت تبعید آنها از پنج الی ده سال مقرر شود . ثانیاً چهار نفر دیگر باید به وطن خود رفته و دیگر به طهران نیایند. ثالثاً آن اعلیحضرت بطور دقت مواظب خواهد بود که کلیه اشخاصی که از سفارت خارج می شوند در اقدام هیجان آمیزی علیه شاه شرکت نمایند.

این پیغام شاه به عقیده من بسیار مخالف دلخواه است. درباب قسمت اول آن من تا دیروز از دادن صورت اسامی متحصنین سفارت امتناع داشته می ترسیدم هر گاه اسامی آنها معلوم شود طرفداران شاه از خانواده و اموال آنها انتقام خواهند کشید . در ۸ شهر جاری [۱۷ تیر ؛ ۹ ج ۲] يك نفر از وکلای اصفهان که به میل خود از سفارت خارج شد شاه او را پذیرفته و او اسامی تمامی بستیهای معتبر را به آن اعلیحضرت داد. شاه الحال پیشنهاد نموده که در مورد شش نفر از آنها مدت تبعید طویل باشد و در ضمن تمام مذاکرات اینطور فهمیده ام که سه نفر یا چهار نفر فقط بایستی به مدت شش یا هشت ماه از مملکت خارج باشند.

اما درباب قسمت دوم پیغام آن اعلیحضرت که تقاضای جدیدی است دو نفر که مذکور گردیده خانه آنها در قراچه داغ که ولایت امیر بهادر جنگ می باشد هست و حکم فرمایی و اقتدار او در آنجا مسلم است.

بستیها از ترك سفارت ابراز بی میلی می کنند و هر گاه آنها از قسمت سوم این پیغام باخبر شوند همه از رفتن امتناع خواهند نمود.

من از مفتاح السلطنه که پیغام آن اعلیحضرت را برای من آورد خواهش نمودم که به شاه اطلاع دهد عفو تام بستیها یکی از تقاضاهای دولت اعلیحضرتی بوده و فقط محض آنکه فرصتی برای رفع این هیجان فعلی باشد آن دولت به خواهش اعلیحضرت رضا داده که سه یا چهار نفر برای مدت معینی از مملکت خارج شوند. بعلاوه من اظهار یتیم نمودم که این شرایطی را که شاه علاوه پیشنهاد نموده که در جزو آنها یکی تنبیه بعضیهاست که در حقشان عفو اعطاء شده و باید تبعید شوند دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول نخواهند نمود و پیغام شاه مخصوصاً قسمت سوم آن که بنابر اطمینانات وزیر دربار امروز صبح به من رسید و بنابر تذکارتی که من در قبول طریقه ترضیه نمودم که سایر تقاضاهای ما باید بدون کم و زیاد قبول شود تأثیر بسیار نامساعدی بروز خواهد داد.

اما درباب قسمت اول با جرأت ارائه طریق می نمایم که به من اجازه داده شود که توسط وزیر امور خارجه شاه را مستحضر دارم که حد مدت تبعید از ایران يك سال باشد و این که دولت اعلیحضرتی قسمت دوم را نمی توانند قبول کنند و قسمت دوم و سوم رویهم رفته بهانه ای است برای عاقل ساختن اثر عفو .

نمره - ۱۹۲

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۱۳ ژوئیت)

طهران، ۱۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۶]

پیغامی از شاه برای من رسیده مشعر بر اینکه آن اعلیحضرت شرایط خود را درباب بستیهها تغییر خواهد داد.

مدت تبعیدتقی زاده و یکی از نطاقین مشروطه خواه به يك سال و يك سال ونیم تخفیف یافته و در مورد سه نفر دیگر تا يك سال . اسم بستی ششمی حالا از صورت حذف شده و او حاضر است که به میل خود به اروپا برود.

در شرایط دومی تغییری داده نشده اما درباب سومی شاه مجدداً اطمینان می دهد که به عهد خود وفا خواهد نمود.

گمان می کنم در تحت این اوضاع می توانم به پناهندگان اصرار نمایم که از سفارت خارج شوند ولی بسیار اظهار بی میلی در رفتن می کنند. محتمل است بعضی بکلی امتناع ورزند. آیا صحیح است من آنها را بیرون کنم؟

بموجب تقاضای سوم ما، سه نفر را مستخلص نموده اند. اینطور مقرر شده که سردار منصور به خراسان فرستاده شود و جلال الدوله و علاء الدوله به اروپا بروند. اشخاصی که در سفارت پناه گرفته بودند رفته اند.

با وجود این آثار و علامت اطمینان بخش، خوف عموم مردم را فرا گرفته و آنهایی که تصور می کنند جانشان در خطر است اتصالاً می گویند می خواهند به قلهک بیایند. امیدوارم آنها را از این کار بازدارم.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۶]

پناهندگان سفارت

راجع به تلگرافات ۱۱ و ۱۳ [۲۰ و ۲۲ تیر؛ ۱۲ و ۱۴ ج ۲] شهر جاری شما، مسئله اول از قراری که فهمیده ام مدت تبعید بروفق دلخواه مقرر شده. درباب مسئله دوم ممکن نیست. در مورد درخواست اینکه چهار نفر از پناهندگان به ولایات خود روند اعتراض شود و در مورد مسئله سوم هم که راجع به اقداماتی است برای آنکه بستیهایی که حفظ جانشان در ایران تعهد شده در موقع توقف خود علیه دولت حاضره کاری نکنند نمی توان اعتراضی نمود.

برای ما امکان ندارد که شرایط بهتر از این درخواست نمایم. ما نمی خواهیم در

امورات داخلی ایران دخالت نماییم و بنابراین مسئله باید مرکوز خاطر عموم گردد که در سفارت فقط برای حفظ جان پناه داده‌ایم و نه برای آنکه برای یک اقدام مهم پلتیکی کمکی داده باشیم و حفظ جان و مال آنها که برایشان تحصیل نموده‌ایم بسته به رفتار و کردار منالمت‌جویانه آتیۀ آنها می‌باشد.

به شاه هم باید اطلاع داده شود که تا زمانی که پناهندگان رفتار و کردارشان مسالمت‌جویانه است بایستی کسی مزاحم آنها نشود.

نمره - ۱۹۴

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴؛ ۲-۱۳۲۶]

پناهندگان سفارت

در باب تلگراف ۱۳ شهر جاری شما، وقتی که کسی بخواهد به ما پناه برد برای ما ممکن نیست که متعاقب آن چیز دیگری را به عهده بگیریم مگر آنکه تا سرحد مملکت با پناهندگان بد رفتاری نشود و فقط در وقتی که جان کسی مورد خطر باشد می‌توانیم از او حفاظت نماییم. عمده این مسئله باید بطور وضوح مفهوم گردد. اگر ما از حدود مذکورۀ تجاوز نماییم سرکردگان هریک از احزاب پلتیکی ممکن است در اوقاتی که کار بر ایشان سخت شود سفارت را پناهگاه خود قرار داده محض آنکه همینکه موقع مساعدتری بدست آوردند بتوانند تجدید اقدامات بنمایند و آنوقت پلتیک عدم مداخلۀ مادر امورات داخلی ایران با وضعیتی که پیدا خواهیم نمود بکلی موافقت نخواهد داشت.

نمره - ۱۹۵

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۱۴ ژوئیت)

طهران، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶؛ ۲-۱۳۲۶]

دیروز شاه سرکردگان رجاله را که در ماه دسامبر گذشته در میدان توپخانه متصدی اقدامات نموده و بطور حبس به خراسان فرستاده شده بودند مراجعت داد و بر حسب امر آن اعلیحضرت کالسکه‌های متعدد به استقبال آنها فرستاده شدند.

نمره - ۱۹۶

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۱۴ ژوئیت)

طهران، ۱۴ ژوئیت ۱۹۰۸ [۲۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۵؛ ۲-۱۳۲۶]

دیروز قریب سی نفر از پناهندگان سفارت اعلیحضرتی از آنجا خارج شدند.

نمره - ۱۹۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۱۵ ژوئیت)

طهران ، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ج ۲-۱۳۲۶]

دیشب ظل‌السلطان به اصفهان ورود نمود . کفیل جنرال قنصلگری راپورت می‌دهد که برای تفریح محاسبات حکومت فارس و امورات شخصی خود حضرت اقدس ایشان می‌خواهند چند هفته‌ای در آن شهر بگذرانند و پس از آن بدون اینکه به طهران روند بطرف شمال مسافرت نموده و از همان طریق از مملکت خارج خواهند شد.

گمان نمی‌کنم اگر ظل‌السلطان در اصفهان توقف نماید اعاده انتظامات در مملکت مشکل‌تر خواهد شد و سفیر روس هم با این عقیده شریک است. به کفیل جنرال قنصلگری بنا بر این دستورالعمل داده شده که حضرت اقدس ایشان را متذکر سازد که دولت اعلیٰ حضرتی در صورتی که ایشان در توقف خود ادامه دهند خودشان را بهیچوجه مجبور نخواهند دانست که وثیقه برای او تحصیل نمایند و برای ایشان بهتر است که هرچه زودتر ترتیبات حرکت خود را بدهند.

نمره - ۱۹۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۱۶ ژوئیت)

طهران ، ۱۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۷ج ۲-۱۳۲۶]

بعلت سازش یکی از سربازان که دم درب بزرگ مشغول قراولی بود غیاب موقتی غلام مذکور شش نفر در شب ۱۵ شهر جاری [۲۳ تیر؛ ۱۵ج ۲] به ورود در سفارت موفق شدند و با اشکال زیاد فردا صبح آن روز آنها را وادار به خروج از آنجا نمودیم.

مجدداً دیشب ساعت هشت یک دسته دو بیست نفری کوشش مجدانه نمودند که از درب یک طرف سفارت داخل آنجا شوند. قبل از آنکه از این درب داخل شوند سایر دربها را هم دیده بودند و بالاخره آنها تهدید نمودند که قهراً داخل شوند با آنکه غلامها در وادار نمودن آنها به ترك این اقدام کوشش زیاد نمودند. این جمعیت پس از ورود قدری عساکر متفرق شدند ولی عساکر مذکور مجبور به استعمال اسلحه نشدند. در حالیکه جمعیت متفرق می‌شدند ویس قونسول وارد و به او التماس نمودند آنها را اجازه تحصن دهد.

نمره - ۱۹۹

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۱۶ ژوئیت)

طهران ، ۱۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۵ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف امروز من پنجاه و چهار نفر از سفارت خارج شده‌اند. دوازده نفر حالا باقی هستند و چهار نفری که بایستی به اوطان خود معاودت کنند و شش نفری که باید از مملکت خارج شوند جزو اینها می‌باشند.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۶ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۵ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۶]

درباب ظل السلطان تعلیماتی را که به کفیل جنرال قنصلگری اصفهان برحسب راپورت مندرجه تلگراف ۱۵ شهر جاری خود داده‌اید تصویب می‌کنم.

نمره - ۲۰۱

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۱۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۶ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگرافات ۱۶ شهر جاری [۲۵ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۶] شما در خصوص اوضاع عمومی ایران:

از تلگرافات شما بخوبی ظاهر می‌شود که از بست اختیار نمودن در سفارت اعلیحضرتی نه فقط به ملاحظه حفاظت از خطر جانی استفاده می‌شود بلکه برای مقاصد پلتیکی هم چون مداومت در این کار یا تجدید آن در آینده خیلی غیر مطلوب خواهد بود شما باید عموم را از این مسئله متذکر سازید که در آینده به کسی که جانش در مخاطره نباشد اجازه تحصن در سفارت داده نخواهد شد. بدون آنکه بستیهایی را که در بست اختیار نمودن، مقاصدشان صرف پلتیکی بوده و از خروج امتناع می‌ورزند جبراً خارج نمایید، شما باید کوشش نموده آنها را ملزم نمایید که از توقف بیش از این نتیجه نبرده و برای آنها بهتر است بروند.

نمره ۲۰۲ -

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۱۸ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۷ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ج ۲ - ۱۳۲۶]

در صورتی که دلیلی دارید که از بست اختیار نمودن زیاد مردم خوفی داشته باشید شما باید در بهای سفارت را ببینید.

نمره ۲۰۳ -

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۲۳ ژوئیت ۱۹۰۸

[یکم امرداد ۱۲۸۷؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۶]

مستحفظین قنصلخانه شیراز

در باب تلگراف پنجم شهر جاری شما مستحفظین قنصلخانه را به همین عده که هستند می‌توانید تا مدت شش ماه دیگر بطور اقدام موقتی نگاهدارید. موعده آن از ۱۹ شهر گذشته خواهد بود.

نمره ۲۰۴ -

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ ژوئیت)

طهران، ۲۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۳ امرداد ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

مردم هنوز هم برای اقامت در قلهک می‌آیند و عده آنها به صد نفر می‌رسد. یکی از اعضای محکمه که برای محاکمه محبوسین باغشاه تشکیل شده اظهار می‌دارد که مقصود عده تحقیقات آن است که اشخاص مربوط به سوء قصد نسبت به شاه را پیدا کنند و در ضمن جریان این امر عده زیادی را دستگیر نموده‌اند. اکثر آنها بی‌گناه بوده‌اند پس از شهادت دادن یحتمل مرخص خواهند شد ولی تفتیش دائمی پلیس در خانه‌های مردم تولید حس ناامنی نموده و آنها بی‌گناهی که علتی برای ترس خود تصور می‌کنند بطور آرام در قلهک پناهنده می‌شوند. من هیچ طریقی برای منع آمدن آنها ندارم و تا زمانی که بی‌نظمی و [بی] ترتیبی از آنها مشهود نشده جهتی برای اخراج آنها به نظر نمی‌رسد. عده کثیری در باغ بزرگی که به آنها واگذار شده چادر زده‌اند یا با رفقای خود بسر می‌برند. از قرار معلوم از آمدن به اینجا مقاصد پلٹیکی در مدنظر ندارند ولی فقط از ترس دستگیر شدن پناه برده‌اند و این مسئله با آنکه تا اندازه زیادی بی‌اساس است حقیقت دارد. محتمل است که بر عده آنها افزوده خواهد شد و آخر الامر بر ما فشار وارد می‌آورند

ولی فعلاً اثری از آن نیست و محتمل نمی‌نماید که عده کثیری از اهل بازار پناهنده شوند هرگاه زیاد شدن عده آنها اوضاع حفظ‌الصحة این ده را تهدید نماید تصور می‌کنم من حق دارم از قبول آنهايي که بعد وارد می‌شوند امتناع نمایم و [اگر] آنهايي که درده هستند سعی به دخول در اراضی سفارت اعلیحضرتی نمایند بطور اشخاص تجاوز کار جبراً اخراج خواهم نمود.

دولت ایران هیچ اقدامی برای منع ورود مردم به قلهک نکرده است.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سرادوارگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۲۷ ژوئیت ۱۹۰۸

[۵ امرداد ۱۲۸۲ ؛ ۲ج ۲۸ - ۱۳۲۶]

پناهندگان قلهک

دولت اعلیحضرتی وضع سلوک و اقدامی را که پیشنهاد نموده‌اید در مورد اشخاصی که بخواهند داخل اراضی سفارت شوند معمول دارید (که در تلگراف ۲۵ شهر جاری شما تشریح شده) تصویب می‌کنند.

در صورتیکه ببینید پناهندگانی که در ده هستند عده‌شان زیاد شده اسباب زحمت می‌شود علل حفظ‌الصحة را برای منع اجازه دخول سایر واردین قرار دهید.

نمره - ۲۰۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۲۹ ژوئیت)

طهران ، ۲۹ ژوئیت ۱۹۰۸

[۷ امرداد ۱۲۸۲ ؛ ۲ج ۳۰ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۵ شهر جاری من ، فعلاً قریب ۱۵۰ نفر بستی در قلهک هستند و باز هم می‌آیند. امروز صبح توانستم دوازده نفر را وادار به خروج نمایم و امیدوارم از ورود سایر واردین امتناع شود. ممکن است بواسطه شایعات تجدید انعقاد پارلمان عثمانی اینجا در مردم هیجانی پیدا شود.

نمره - ۲۰۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادوارگری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ، ۳۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۹ امرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲ج ۲۶ - ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۹ شهر جاری من ، روز سه‌شنبه ۲۵ نفر دیگر را وادار به خروج

از قلهک نمودم ولی دیشب و امروز صبح ۱۸۰ نفر وارد شدند و فعلاً قریب سیصد نفر در ده هستند. عده‌ای در مقابل فشار سختی که به آنها وارد آورده‌ام راضی به خروج شده‌اند ولی محتمل نیست که بتوانم قسمت عمده را راغب نمایم مثل سایرین بیرون روند. چنانچه خودشان اعتراف می‌کنند مقاصد پلتیکی در نظر دارند و قصدشان فعلاً این است در ده قلهک مأمونی بدست آورده از آنجا در اقدامات خود مداومت نمایند. می‌ترسم که برعهده آنهايي که اینجا هستند افزوده شود و کوشش نمایند که ما را مجبور به اقدامات نمایند اگر چه بر آنها کاملاً معلوم است که سفارت معاوتتی نخواهد نمود. مردم این را یقین دارند که ما آنها را قهراً خارج نخواهیم کرد. محتمل است که يك قسمت عمده را از آنهايي که فعلاً در قلهک هستند بتوان خارج نمود و فقط بطور غیر مستقیم با این امر مقاومت خواهند کرد ولی چنین اقدامی از طرف ما حمل به حمایت واقعی به شاه خواهد گردید. بعلاوه، اگر يك قوه پلیس بزرگی— مثلاً پنجاه نفر— از دولت ایران تحصیل نشود که از دسترسی مردم به قلهک در آتیه جلوگیری نمایند از تجدید وقوع این اوضاع ممانعت نتوان نمود. از وصول تعلیمات شما که چطور عمل نمایم مسرور خواهم شد.

نمره ۲۰۸

تلگراف مستر مارلینگک به سرادوردگری (واصله ۳۱ ژوئیت)

طهران ، ۳۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۹ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲ رجب ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف امروز من، بعد از ظهر قریب یکصد نفر از پناهندگان از ده خارج شدند. من امر داده‌ام که درهای سفارت اعلیحضرتی را ببندند.

نمره ۲۰۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگک

وزارت خارجه، ۳۱ ژوئیت ۱۹۰۸

[۹ مرداد ۱۲۸۷؛ ۲ رجب ۱۳۲۶]

پناهندگان قلهک

در باب تلگراف ۲۹ شهر جاری شما، شما بوسیله اقدامی که در تلگراف ۲۷ شهر جاری خود ارائه طریق نموده‌ام باید سعی کنید هر قدر از پناهندگان را که امکان دارد از ده خارج کنید و باید به آنهايي که اکنون اینجا هستند توضیح نمایید که برای ما غیر ممکن است بگذاریم ده یا سفارت مأمونی برای اجرای مقاصد پلتیکی باشد و علاوه نمایید که برای منع مداومت در این کار اعمال قوه خواهد شد. بسیار غیر مطلوب خواهد بود که قلهک مأمونی برای اجرای اعمال پلتیکی شود.

نمره - ۲۱۰

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۴ ژوئیت)^۱

قلهك ، ۱۵ ژوئیت ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

آقا

از ویس قونسول اعلیحضرتی مقیم تبریز چندین تلگراف در باب حوادثی که در عرض چهار هفته اخیر در آن شهر به وقوع رسیده واصل گردیده است. در این راپورتها چند فقره اخبار بسیار عمده ملاحظه شد ولی نظر به اشتهاارات متضاد بسیار که راجع به اغتشاشات آنجا شیوع داشت و اشکال زیادی که در بدست آوردن شرح مربوطی از حقیقت وقایع موجود است من خلاصه مختصری از تمام راپورتهایی که مستر استونز [استیونس] برای فرستاده و به عقیده من شما می‌توانید از روی آن از اوضاع حالیه طرح عقیده برای خود نمایید ایفاد می‌دارم.

بطریق معمول این راپورتها باید جزو خلاصه وقایع معمول ماهیانه فرستاده شود ولی اهمیت شهر تبریز از نقطه نظر مرکزیت عقاید پلتیکی و مسئله اینکه در میان شهرهای ایالتی و ولایتی ایران فقط در آنجا بواسطه حوادث اخیر طهران احساسات عامه تا اندازه‌ای به هیجان آمده مرا مصمم نموده که در مراسله جداگانه شرح آن را بنگارم.
(امضا) چارلز مارلینگ

ملفوف در نمره ۲۱۰

مجمل راپورت مستر استیونس راجع به تبریز

در ۲۳ ماه گذشته [۲ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶] تبریز خیلی مغشوش و بازارها بسته شد. اخبار حوادث در طهران در همان روز واصل گردید و جنگ مابین طرفداران شاه به ریاست علماء و مشروطین شروع شد. تا سه روز بعد بازارها بسته و جنگ مداومت داشت تا اینکه در ۲۷ ماه [۶ تیر ؛ ۲۷ ج ۱] طرفین قبول نمودند که قرار ملاقاتی داده و شرایط صلح مذاکره شود. طرفداران شاه به قرارداد معهود عمل ننمودند و مشروطین آنها را به قتل دو نفر از مشروطین متهم نموده و جسد یکی از آنها را برای ثبوت رفتار وحشیانه مستبدین به قنصلخانه اعلیحضرتی آورده و بعد در يك مسجدی بردند. مشروطین هم در تلافی برادر یکی از رؤسای علماء را که دستگیر و محبوس نموده بودند به قتل رسانیدند. جنگ مداومت یافت و ارادل از عابرین بی‌گناه سرقت می‌نمودند.

در ۲۸ ماه [۷ تیر ؛ ۲۸ ج ۱] شش نفر از رولوسیونرها در ژنرال قنصلگری روس بست اختیار نمودند و عده زیادی هم تقاضای دخول به قنصلخانه اعلیحضرتی نموده ولی قبول نشد. ژنرال قنصل روس سعی نمود که با مذاکرات با طرفین صلح را برقرار نماید ولی موفقیتی به اقدامات خود حاصل ننموده تا اینکه در ۳۰ ماه [۹ تیر ۱۲۸۷ ؛ یکم ج ۲ - ۱۳۲۶]

(۱) بهمین گونه است دراصل.

استعدادی از سوارهای قراجه‌داغی به امر شاه برای برقراری نظم در بیرون شهر هویسدا گردید. در همان روز مخبرالسلطنه و فرمانفرما به قنسولخانه روس متحصن و عین‌الدوله به جای او به حکومت منصوب گردید. در اغلب محلات شهر جنگ مداومت داشت و در اول ماه ژویه چهار نفر از رؤسای رولوسیونر تقاضای حمایت انگلیس را نمودند و تهدید نمودند که اگر تقاضای آنها قبول نشود جنگ را مداومت داده نخواهند گذاشت که سوارها برای استقرار نظم داخل شهر بشوند.

ویس قنسول اعلیحضرتی در خواست تکلیف نمود. دستورالعمل به او فرستاده شده که بروفق تصمیم دولت اعلیحضرتی که به امورات داخلی ایران مداخله ننماید حمایت به اشخاص مذکور نباید داده شود. در این ضمن ژنرال قنسول روس رولوسیونرها را وادار نمود که بیرق سعید را که علامت تسلیم است برپا نموده و بگذارند که سوارها داخل شهر بشوند. قدری بعد دسته طرفداران شاه پیش آمده و در بین راه خانه‌ها و دکاکین را غارت می‌نمودند. بعد از این مشروطیین مصمم شدند که مجدداً بنای زدوخورد را گذاشته و شروع به جمع‌آوری استعداد کردند. کوشش ژنرال قنسول روس برای برقراری نظم بی‌ثمر گردید. طرفین تا ۱۰ این ماه [۱۹ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ج ۲-۱۳۲۶] مشغول جنگ و غارت خانه‌ها و دکاکین بودند. تا اینکه در ۱۰ ماه قشون از طهران وارد گردید و تا دو روز بعد سعی نمودند که مردم را به باز نمودن بازارها وادار نمایند. سعی آنها بی‌نتیجه ماند بجهت اینکه دسته‌ای از مشروطیین مواظب آنها بوده و چون تمام مردم ترس فوق‌العاده از آنها داشته نمی‌گذاشتند که کسی دکان خود را باز کند. در این مدت اغتشاش نان خیالی کمیاب گردید تا اینکه در ۱۲ این ماه [۲۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۳ ج ۲-۱۳۲۶] گندم به شهر داخل شد و عده‌قلیلی از دکاکین باز بودند.

در صبح ۱۳ این ماه [۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲-۱۳۲۶] رحیم‌خان تقریباً با ۱۰۰۰ سوار و سه عراده توپ وارد شهر گردید. قبل از ورود او عده‌ای از رولوسیونرها يك عراده توپ و چند قبضه تفنگ به او تسلیم نمودند. دسته‌ای از رولوسیونرها که عده آنها صد نفر بود در پشت‌سنگرها از قشون دولتی جلوگیری می‌نمودند و در تمام روز شلیک کرده می‌شود. سوارها تمام راههای به شهر را در دست داشته و حکم به آنها داده شده بود که نگذارند کسی خارج یا داخل شهر بشود.

در روز بعد ویس قنسول اعلیحضرتی راپورت داد که قشون دولتی نتوانسته‌اند رولوسیونرها را از نقاط خود خارج نمایند و عده آنها زیاد شده است. چهار تیر توپ هم انداخته شده ولی خسارت زیادی نرسانیده است.

نمره - ۲۱۱

مراسله متر مارلینگک به سرادوارگری

مورخه ۱۵ ماه ژویه از قلتهک

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۲-۱۳۲۶]

من افتخار دارم راپورت ذیل را [به‌عنوان] متمم حکایت وقایع راجعه به «کودتا» ی

جدیدی که ابتدای آن در مراسله ۱۸ ماه ژون [۲۸ خرداد ۱۲۸۷؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۶] شروع شد تقدیم نمایم.

در آن روز و در دو روز بعد ظاهراً از انجمنها قدری جدیت بروز نمود در صورتی که مجلس خیلی مایل بود که صلح برقرار بماند و بهانه به دست شاه برای بعضی اقدامات سخت داده نشود و به این جهت سعی می نمود که از طرف انجمنها اقدامی نشود. اتصالاً مذاکرات مابین وزراء و مجلس از يك طرف و دربار از باغشاه از طرف دیگر در جریان بود.

مذاکرات در خصوص تقاضاهایی که شاه نموده بود خیلی طولانی و جلسه مجلس که تا خیلی دیر منعقد بود بالاخره تقاضاهای مذکور را رد نمود. جای تردیدی باقی نیست که دربار نتیجه رأی مجلس را قبلاً پیش بینی نموده بواسطه اینکه تدارکات لازمه برای اقدامات روز بعد کاملاً دیده شده بود. اخبار سرگذشت واقعه روز سه شنبه ۲۳ ماه ژون [۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶] بیش از آنچه در ایران معمول بوده متضاد است لیکن در این چند فقره همه متفقند که رؤسای مشروطیین و مخصوصاً سید عبدالله به دسته خود تأکید نموده بود که آنها باید فقط از خود دفاع نمایند و تیر اول رایك سرباز (ممکن است که در روی هوا) در کرده بود و بعد از در رفتن تیر اول آنوقت انجمنها به قشون شایك نمودند. هرچند که این مسئله فی حد ذاته دارای اهمیتی نیست بواسطه اینکه واضح بود که شاه مصمم به استعمال قوای قهریه شده بود.

من گمان می کنم که بدون شك کسی عمداً به صاحب منصبان روسی تیری نینداخته. تمام ایرانیها می گویند که بدو حکم اکیدی از طرف رؤسا شده بود که همچو اقدامی نشود و مسیو هارتویك بهمن اطلاع داد که عقیده یکی از صاحب منصبان روسی هم همینطور بود. اگر چنانچه برخلاف این میل ملیین بود عتلا باور کردنی نیست که آنها با داشتن سنگرهای خوب و قلت مسافت از کشتن صاحب منصبان مذکور عاجز بوده اند.

بعلاوه تمام صاحب منصبان روسی بدون ترس در نقاط بسیار خطرناك رفت و آمد می نمودند. یکی از وکلای مجلس بهمن گفت که برای ملیین ممکن بود مخصوصاً کلنل لیاخوف را هر دقیقه که می خواستند بکشند.

اگر چنانچه آن صاحب منصبان کشته می شدند یقیناً نتیجه زردو خورد بکلی تغییر می کرد و سلامتی آنها بواسطه این مطلب بود که عقیده مردم عموماً براین بود که اگر آنها کشته بشوند باعث دخالت روسیه خواهد گردید.

صاحب منصبان مذکور بخوبی جلوگیری از اجحافات تائینهای خود و تا يك اندازه هم از فوج سیلاخور و سوارهای امیر بهادر نمودند به دلیل آنکه عده بسیار قلیل از دکاکین و خانهها به استثنای خانههایی که مخصوصاً نشان شده بود (از قبیل خانه ظل الساطان و بانوی عظمی) غارت گردید.

ابتدا خبری که از زردو خورد طهران به من رسید قدری پیش از ساعت هفت صبح بود. چند ساعت بعد من به زرگنده برای ملاقات مسیو هارت ویک رفتم. برای ایشان هم تقریباً خبری مثل خبر من رسیده بود ولی عقیده ایشان براین بود که تا خبر صحیحی برای

مانرسد ما نخواهیم توانست اقدامی نماییم. من دو مرتبه در ساعت دوازده به ملاقات ایشان رفته ایشان قبول نمودند که مترجمین خود را به طهران فرستاده که به شاه خطراتی که برای اروپاییها مترتب است خاطر نشان نمایند.

وقتی که در ساعت سه بعد از ظهر من دومرتبه نزد ایشان رفتم ایشان قبول نمودند که بعلاوه پیغام مذکور فوق به مترجمین دستورالعمل داده شود که شاه را از اطمیناناتی که در خصوص برقراری مشروطیت داده بود یادآوری نمایند.

مسیو هارتویک مسیو بارناوسکی را احضار نموده و دستورالعمل بطوریکه قرار شد به او داد. من به مسیو هارتویک اظهار نمودم که من به مستر چرچیل دستورالعمل کتبی خواهم داد. مسیو هارتویک راضی شدند که مستر چرچیل و مسیو بارناوسکی در ساعت پنج بعد از ظهر در سفارت اعلیحضرتی یکدیگر را ملاقات نموده و از آنجا بطرف طهران حرکت نمایند ولی مسیو بارناوسکی تا ساعت شش حاضر نشد.

در بین راه از سفارت به باغشاه مستر چرچیل دستورالعملی را که من به او داده بودم به مسیو بارناوسکی نشان داد و قرار دادند که مسیو بارناوسکی ترجمه آن را به شاه اظهار دارد.

پس از اظهار ترجمه مذکور اعلیحضرت شاه قول اکیده به آنها داد که غارت و اغتشاش نخواهد روی داد و حکم مخصوصی برای محافظت محلاتی که اداره تلگرافخانه انگلیس و بانک شاهنشاهی در آنجا واقعند صادر گردید و نیز حکم شد که مستحفظین مخصوصی برای اجزای تلگرافخانه در حین رفت و آمد آنها معین گردند. یادداشتی که مستر چرچیل راجع به ملاقات در باغشاه نوشته لفاً فرستاده شد.

بمحض اینکه اخبار حوادث شهر به من رسید من ماژور استوکس را به شهر فرستاده و دستورالعمل به او دادم که نگذارد کسی در سفارت تحصن اختیار نماید مگر اینکه جان او در معرض خطر فوری باشد.

ماژور استوکس هرچند ساعت به ساعت اخبار شهر را بتوسط تلفون به من می‌رسانید. از راپورت‌های او همچو فهمیده می‌شود که غارت زیادی کرده شده است چونکه او مشاهده نموده بود که سرباز هم از بریگاد قزاق و هم از فوج سیلاخور با غنائیم زیاد مختلف بطرف باغشاه حرکت می‌کردند و حتی غنائیم مذکور را روی گاریهای توپ انبار کرده و حرکت می‌دادند و همچنین در موقعی که او در دکانی که چند قدم از سفارت دور بود برای تلفن زدن رفته بود چهار نفر از سوارهای امیر بهادر قصد دخول برای غارت نمودند. نسبتاً کمتر از دکانین و خانه‌های شخصی غارت شده اغلب اموال غارت شده متعلق به عمارت بزرگ ظل‌السلطان و مجلس بود. خسارت فوق‌العاده به خسار عمارت ظل‌السلطان زوی نداد چونکه دکتر هاینکان برای پرستاری مجروحین به طهران رفته و از در عمارت گذشته به من اطلاع داد که هرچند قدری خرابی شده است ولی به اصل عمارت صدمه وارد نیامده است. در عصر عده‌ای از اشخاص از طبقات مختلف دستگیر شدند. اسامی اشخاصی که لازم ذکر کرد از قرار ذیل است: دونفر از مجتهدین مهم سیدعبدالله وسید محمد - شیخ‌الرئیس - مستشارالدوله - یکی از رؤسای مهم تجدد خواهان

و وکیل تبریز - ناطق معروف ملك المتكلمين و جهانگیرخان مدیر روزنامه «صوراسرافیل». این دو شخص آخر مخصوصاً بواسطه حملات مکرر به اعلیحضرت اغلب اوقات که صورت فحاشی را دارا بود مورد تنفر و بغض شاه واقعند.

اغتشاشی در شب روی نداد ولی صبح زود فردا کاغذ فوری از طرف مازور استوکس به من رسید مشعر بر اینکه تقی زاده و شش نفر از رفقای او که دونفر از آنها مدیر روزنامه «حبل المتین» (روزنامه‌ای است که بواسطه حمله‌های سخت نسبت به دولت انگلیس خود را مشهور نموده) و «مساوات» اند شبانه به سفارت متحصن شدند.

در همان موقعی که من کاغذی برای مسیو هارت ویک راجع به این مسئله فرستادم کاغذی از ایشان برای من رسید مشعر بر اینکه چندین نفر از اعضای انجمنها برای تحصن به سفارت می‌روند و همچنین عده‌ای از تجار و سادات هم در درشکته‌های کرایه با همراهی غلامهای سفارت عازم‌اند. من فوراً به سفارت روس رفته و به مسیو هارت ویک اظهار نمودم که من هنوز اطلاع ندارم که به چه سبب اجازه دخول به تقی زاده و سایرین داده شده است و من مخصوصاً مازور استوکس را به شهر فرستادم که نگذارد متحصنین داخل سفارت شوند و بر من محقق و ثابت است که او از روی وجدان کلیه دستورالعمل دولت اعلیحضرتی راجع به مسئله بست را بموقع اجرا خواهد گذارد. مفاد دستورالعمل مذکور این بود که حتی المقدور مردم را از آمدن به سفارت منع نماید و هیچکس را جز اشخاصی که جان آنها در خطر فوری است به سفارت راه ندهد. البته ممکن است که برای او سوء تفاهمی حاصل شده باشد ولی در هر صورت من فوراً به طهران خواهم رفت و به ایشان هرچه زودتر ممکن بشود مسئله را اطلاع خواهم داد. من اطمینان کامل دارم که مسئله همراهی غلامهای سفارت با متحصنین بکلی دروغ است و فوراً هم به مازور استوکس تلفن نموده‌ام که ابدأ نگذارد هیچکس داخل سفارت بشود.

پس از مراجعت به سفارت پیغام بتوسط تلفن از شهر برای من رسیده بود مشعر بر اینکه صبح تقریباً ۴۳ یا ۴۴ نفر داخل سفارت شده‌اند. وقتی که در ساعت دو بعد از ظهر من وارد طهران شدم مشاهده نمودم اضطرابی که بواسطه حوادث روز پیش مابین مردم تولید شده بود بواسطه بعضی اغراقاتی که شیوع داشت منتشر شده. بین مردم شهرت داشت که قزاقها برای تجسس اسلحه و اشخاص مظنون به خانه‌های شخصی داخل می‌شوند و همچنین کشتن دونفر از محبوسین را به قتل عام نقل می‌نمودند. هرچند که اغلب داکین باز بود ولی این بواسطه اعلانی بود که شاه منتشر نموده بود که هر دکانی که بسته باشد سربازان آن را غارت خواهند نمود. عابریں در کوچه و خیابانها خیلی قلیل بودند. اغلب مردم درب خانه‌های خود ایستاده و منتظر بودند که شاه دیگر چه اقدامی خواهد نمود.

تقریباً در ساعت سه و نیم بعد از ظهر معین‌الوزاره پسر وزیر امور خارجه و رئیس کابینه پیغامی از شاه به سفارت آورد. مفاد پیغام جواب من و جواب شاه بطور مشروح در تلگراف نمرة ۱۵۵ مورخه ۲۵ ژون (۴ تیر؛ ۲۵ ج ۱) راپورت داده شد.

در موقعی که ما صحبت می‌کردیم صدای تیر و تفنگ ویک تیر توپ از مسافت خیالی قلیلی به سفارت شنیده شد. معین‌الوزاره توضیح نمود که قشون حمله به خانه ظهیرالدوله

که مرکز انجمن موسوم به همان اسم بوده می‌آوردند. آنقدری که من اطلاع دارم مقاومتی از طرف انجمن نشد ولی گمان برده می‌شود که بمب ممکن است انداخته بشود. اقدام قشون حتماً سه ربع ساعت طول کشید بواسطه اینکه بعد از رسیدن من به منزل علاءالسلطنه صدای انفجاری در آنجا شنیدم. در منزل علاءالسلطنه دوبرتبه معین‌الوزاره را ملاقات نموده و در حضور پدرش پیغامی که مایمل بودم به‌شاه ابلاغ گردد به او دو مرتبه اظهار نمودم. چندی نکشید که او بطرف باغشاه حرکت نمود.

در موقعی که به سفارت مراجعت می‌نمودم سه چهار سرباز سواره را مشاهده نمودم که تقریباً به فاصله ۲۵ الی ۳۰ ذرع آنطرف خیابان در دو طرف در سفارت متوقف بودند. ولی من گمان نمودم که شاید اتفاقاً آنها در این نقطه بوده اهمیت مختص با این مسئله ندادم. در مراسله دیگر بطور مشروح حکایت اقدامات نظامی که در اطراف سفارت بعمل آمد نگاشته خواهد شد و به این جهت در این مراسله حتی المقدور ذکر از این مسئله نخواهم نمود. از ترجمه اعلان قانون نظامی که در ۲۶ ماه [۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۲-۱۳۲۶] منتشر گردیده و لفاً فرستاده شده مشاهده می‌شود که کلنل لیاخوف با اختیارات تام به حکومت و ریاست قوای پلیس و نظامی معین گردید. بدون شك کلنل لیاخوف اقتدار خود را با اثرخوشی بکار برد به جهت اینکه در این شش هفت ماه اخیر طهران هیچوقت به این اندازه خاموش نبوده است. ولیکن به يك ملاحظه بواسطه شدت سختی مفاد اعلان مذکور و مخصوصاً ماده پنجم (مشر بر اینکه اگر کسی به مأمورین نظامی بی‌احترامی نماید اجازه استعمال اسلحه به آنها داده شده است) اثر بسیار بدی بخشید و حشمت‌زبانی مردم را احاطه نمود و بواسطه همین ماده پنجم بود که عده زیادی از مردم که خطر واقعی بهیچوجه برای آنها مترتب نبود باوجود این مایمل پناه در سفارت بودند. خاموشی شهر بواسطه جبن مردم بود.

اعلان عفو عمومی در ۲۵ ماه [۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۵ ج ۱-۱۳۲۶] منتشر گردید ولی باوجود این عده‌ای از مردم دستگیر شده و حال هم اتصالاً دستگیر می‌شوند و در واقع مردم تصور می‌کنند که این اعلان فقط برای این بوده که اشخاص مظنون از خفیه گاه بیرون بیایند.

در روز دوشنبه ۲۹ ماه [۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۹ ج ۱-۱۳۲۶] اعلانی به امضای خود کلنل لیاخوف در تمام شهر چسبانیده شد ولی در ۶ ماه ژویه [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۷ ج ۲-۱۳۲۶] اعلان ثانی که مبطل اعلان کلنل بود از طرف مشیرالسلطنه صدراعظم منتشر گردید. اعلان مذکور توضیح می‌داد که شاهزاده مؤیدالدوله حاکم معمولی شهر است و کلنل لیاخوف حاکم نظامی است (ترجمه هر دو این اسناد ملفوف است).

در ۱۷ ماه ژویه [۲۶ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۸ ج ۲-۱۳۲۶] اعلان دیگری از طرف شاهزاده مؤیدالدوله منتشر گردید مبنی بر اینکه هر چند مدت قوانین نظامی در شهر لازم است ولی باوجود این او شخصاً رسیدگی به کارهای معموله خواهد نمود و هر کس که بخواهد می‌تواند در ساعت معین حاضر شده تا به تظلمات و دعاوی آنها رسیدگی شود و بعلاوه توضیح می‌نماید

که جمع شدن در مساجد برای نماز جزء اجتماعات ممنوع حساب نمی‌شود. روز بعد دستخطی که از طرف شاه خطاب به صدراعظم صادر شده بود در تمام نقاط شهر چسبانیده شد. دستخط مذکور حکم می‌نماید که وزراء باید در صدد اصلاحات برآمده و مخصوصاً تذکری از معارف تقویت تجارت و کارخانجات برده می‌شود. دستخط بعلاوه تأکید می‌نماید که وزارت مالیه فوراً باید به مطالعات راجع به حقوق معوقه ادارات دولتی و وظایف دیوانی رسیدگی نموده و قراری بدهد.

مقصود از جمله آخر برای این است که عده زیادی از اربابان حقوق را که مجلس حقوق آنها را قطع نموده شاه با خود همراه نماید.

البته معلوم است که وجوهات برای پرداخت مطالبات فوق العاده که به خزانه تعلق دارد وجود خارجی ندارد بغیر از اینکه در ۹ ماه ژویه قهوه‌خانه‌ای که متعلق به یکی از متحصنین سفارت بود و گفته شده بود که در ۲۴ ماه گذشته [۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] از آنجا بمبی انداخته شده بود سربازان خراب نمودند اقدام دیگری بعمل نیامد هر چند که عده زیادی از مردم دستگیر شده‌اند و اقدامات مجدانه برای تجسس اسلحه در جریان است. خیلی مشکل است که معلوم نمود که چطور با محبوسین باغشاه رفتار شده است. تقریباً بیست و دونفر از آنها را زنجیر نموده بودند و یکی از آنها تلف شد. از قراری که می‌گویند مردن این شخص بواسطه زخمی بوده که بر سرش وارد آمده و از آنوقتی که شخص مذکور دستگیر شده بود رسیدگی به زخم آن نشده بوده است.

در ۱۳ ماه جاری [۲۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ج ۲ - ۱۳۲۶] دو نفر را در اطراف قلعه دستگیر نمودند. از قرار معلوم دستگیری مذکور مصنوعی بوده و مقصود این بوده است که بفهمانند حتی در قلعه هم شاه می‌تواند مقصرین را دستگیر نماید.

ملفوف ۱ در نمره ۲۱۱

یادداشت مستر چرچیل

موافق دستورالعمل شما من امروز عصر به شهر رفته و در ساعت شش بعد از ظهر پس از اینکه مسیو بارناوسکی همکار روس من مرا بطوری که شما قرار داده بودید ملاقات نمود ما بطرف باغشاه حرکت نمودیم. مستحفظین مافقط دونفر سوار هندی و دو غلامی بود که من از قلعه همراه آورده بودم.

من دستورالعمل کتبی را که در خصوص مذاکرات با شاه به من داده بودید به مسیو بارناوسکی نشان دادم. گفتند که دستورالعمل ایشان هم از سفیر روس عیناً یا دستورالعمل من مطابق است. من از ایشان تقاضا نمودم که ترجمه‌ای را که من درین راه نموده بخوانند تا آنکه مفاد آن را حفظ نموده به جهت اینکه ایشان باید نطق نمایند.

ایشان تقاضای مرا قبول نموده و همینکه شاه ما را به حضور طلبید مسیو بارناوسکی پیغام سفارتین را از حفظ به شاه ابلاغ نمود. شاه که از قرار معلوم خود را پیش از وقت حاضر نموده در جواب اظهار نمودند: آنچه را که به مسئله اول راجع است شما می‌توانید که وزیر و شارژ دافر را مطمئن سازید که من آنچه را که می‌توانم برای استقرار نظم

به عمل آورده و خواهم آورد و ایشان می‌توانند که از سلامتی اتباع خود آسوده‌خاطر باشند.

بعد به کلنل لیاخوف که با یک صاحب‌منصب قزاق ایرانی دیگر که مترجم او بود و نزد شاه ایستاده بودند شاه اشاره نموده و گفتند که نظم شهر به عهده کلنل واگذار شده است والان مشغول گذراندن بعضی ترتیبات با او هستند.

و آنچه راجع به مسئله ثانی است اعلیحضرت شاه از ما خواهش نمودند که اطمینانات خود را در این باب بنمایندگان ابلاغ داریم اینکه شاه با مجلس تزاری ندارد اقداماتی که او بعمل آورده است علیه انجمنهای رولوسیونر و مفسدین عموماً بوده است و دیگر اینکه مقصود اعلیحضرت شاه نگاهداری مشروطیتی است که خود آن اعلیحضرت عطا نموده.

سپس من اظهار نمودم که اداره تلگرافخانه هند و اروپا و بانک شاهنشاهی ایران مخصوصاً مایلند که مستحفظین آنها اضافه شود. اعلیحضرت شاه قول دادند که فرستاده خواهد شد. در موقعی که ما خارج شدیم امیر بهادر که در ملاقات حضور داشت به من گفت که خود او شخصاً مستحفظ لازمه خواهد فرستاد و بعد صاحب‌منصبی را طلبیده و بهمن اظهار نمود که هرچه لازم است به او گفته تا بموقع اجرا گذارده شود. صاحب‌منصب مذکور قول به من داد که عده‌ای مستحفظ همان شب برای نقاط مذکور خواهد فرستاد. این قول فوراً به موقع اجرا گذارده شد. ما نزدیک در باغ کوچکی که بیرون باغشاه است خدمت شاه مشرف شدیم. این باغ برای حرم سلطنتی معین شده است.

خود باغشاه محل دربار و تازگی محبس شده که در آن عده زیادی از مقصرین پلتیکی محبوس هستند.

ملفوف ۴ در نمره ۴۱۱

قانون نظامی مورخه ۲۲ ماه ژون ۱۹۰۸

[۱ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۲ ج ۱ - ۱۳۲۶]

چونکه از ۲۲ ماه ژون طهران و شهرهای دیگر مملکت در تحت قانون نظامی خواهند بود لهذا برای جلوگیری از افساد و برقراری نظم و آسایش عموم، ما بموجب این فرمان امر و حکم می‌فرماییم که کلیه اجتماعات در خیابانها و محلات و میدانها و بعلاوه جمع شدن عده کثیری از مردم یا بیرون شهر و یا در منزلهای شخصی وقتی قانونی خواهد بود که اجازه از حکومت گرفته بشود و بموجب این فرمان ما امر و حکم می‌فرماییم که اگر برخلاف این ترتیب اجتماعی در خیابانها و محلات و میدانها بشود به قوه نظامی مجتبعین را متفرق خواهند کرد و در صورت عدم اطاعت و مقاومت به قوه قهریه و شلیک تفنگ، آنها را متفرق خواهند نمود. محض اینکه این نوع اتفاقات ناگوار بر رعایای ما وارد نشود ما نیز حکم می‌نماییم که حتی در کوچه‌ها یا مسجدها یا نقاط دیگر برای تماشای جمع نشوند. در صورت عدم اطاعت به این احکام:

(۱) رؤسای این اجتماعات و اشخاص دیگر که مربوط به این اجتماعات بوده به حکم حاکم دستگیر و سه ماه محبوس خواهند شد.

- (۲) فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف به حکومت شهر معین گردیده است. رئیس نظمی و فرماندهی نظامی در تحت اوامر و فرمان او خواهند بود.
- (۳) آن اجتماعاتی که عمومی از قبیل تجارتخانه‌ها - قهوه‌خانه‌ها [و] اصناف که قانونی است پس از سه ساعت از شب گذشته ممنوع است.
- (۴) حمل اسلحه بدون اجازه حاکم ممنوع است و مرتکبین بروفق ماده اول این فرمان مجازات خواهند شد حتی آن اشخاصی که اجازه حمل اسلحه دارند باید بلیت مخصوص از حکومت داشته باشند.
- (۵) اشخاصی که بی‌احترامی به نظام بکنند بطور مذکور تنبیه و همچنین به سربازان اجازه داده خواهد شد که اسلحه خود را بطرف آنها بکشند.
- (۶) تعیین تنبیه برای تقصیراتی که در این مواد ذکر شد در ولایات برعهده مأمورین مسؤل محلی است.
- (۷) اجرای این احکام از [زمان] صدور آن خواهد بود.

(امضا محمد علی شاه قاجار)

ملفوف ۳ در نمره ۲۱۱

اعلان عفو عمومی به تاریخ ۲۵ ژون ۱۹۰۸

[۴ تیر ۱۲۸۷ : ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۶]

جناب صدراعظم

مقصود ما اعاده نظم در مملکت است و اقداماتی که برای دستگیری خائنین و مفسدین بعمل آمد محض آسایش و راحتی مردم است و برای اینکه اهالی بی‌تقصیر و مصلح بیش از این دیگر دچار زحمات و صدمات نباشند بموجب این دستخط مسروریم که اعلان عفو عمومی نموده و صریحاً اظهار می‌داریم که ما عفو می‌نماییم تمام اشخاصی که نسبت به آنها سوء ظن برده شده است. اما آن اشخاصی که دستگیر شده‌اند مجلسی مرکب از اشخاص سالم و بی‌طرف تشکیل داده خواهد شد و آنها بدقت رسیدگی خواهند نمود و هر کس که بی‌تقصیر باشد مرخص خواهد شد ولی مشروط بر اینکه مردم از حدود قانونی که حکومت نظامی ترتیب و منتشر نموده تجاوز نکرده و اقداماتی برخلاف قاعده و قانون ننمایند.

(امضا محمد علی شاه قاجار) ۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۶

ملفوف ۴ در نمره ۲۱۱

اعلان کلنل لیاخوف که به تاریخ ۲۹ ماه ژون

[۸ تیر ۱۲۸۷ : ۲۹ ج ۱ - ۱۳۲۶] منتشر گردید

حسب الامر اعلیحضرت همایونی محض آسایش مردم و اجرای قوانین و قوای شهری و همچنین برای اطلاع عموم مطالب ذیل شمرده می‌شود.

(۱) استقرار نظم در شهر مخصوصاً به بریگاد قزاق اعلیحضرت همایونی و ژاندارمری

- وافواج خلیج وزرند محول گردیده است.
- (۲) اشخاصی که برخلاف این قوانین رفتار نمایند مورد مؤاخذة سخت واقع خواهند گردید. اشخاصی که مظلوم واقع گردیده می‌توانند شکایات خود را به اداره من ویا به خود من شخصاً ابراز دارند.
- (۳) هرکس که به کس دیگر تعدی و ظلم نماید با حضور شخص مظلوم و اطلاع نماینده حکومتی تنبیه خواهد گردید. در صورتی که به کسی اذیت یا دزدی شود آن شخص می‌تواند مراتب را به قزاقی که مأمور قراولخانه است اطلاع بدهد.
- (۴) قیمت نان و گوشت به نرخ حالیه باقی خواهد بود. اگر از میزان قیمت گران‌تر فروخته شود جریمه از فروشنده گرفته خواهد شد.
- (۵) اگر در کوچه بیش از پنج نفر جمع شوند به قوه قهریه آنها را متفرق خواهند ساخت.
- (۶) اشخاصی که مشغول فروش اسلحه و فشنگ هستند بعد از این بدون اجازه من مجاز فروش نخواهند بود و اجازه فقط از طرف من داده خواهد شد.
- (۷) اگر تیری در شهر در برود قزاق به آن نقطه فرستاده خواهد شد. در صورتی که تیر بلااراده در رفته باشد مرتکب برای یک مدتی محبوس خواهد گردید. اگر کسی در شب به دزدی در خانه تیر بیندازد قزاق باید وارد خانه شده و کسب اطلاع نماید. اگر تیر قصدی در رفته باشد مرتکب سخت مجازات خواهد شد.
- (۸) اگر از خانه‌ای به قراول کوچه تیری انداخته شود آن خانه بتوسط توپ خراب خواهد شد.
- (۹) به اشخاصی که بار گاه و هیزم یا بارهای دیگر در کوچه‌ها گذارده و مانع از عبور مردم می‌شوند اخطار می‌شود که بعد از این دیگر نکنند.
- (۱۰) کالسکه‌ها باید در دست راست کوچه پشت سرهم بایستند. درشکه‌چیهای که به این ترتیب رفتار نمایند مورد مؤاخذة سخت واقع خواهند گردید.
- (۱۱) آب پاشی و جاروب کردن کوچه برعهده صاحبان خانه و مستأجرین است.
- (۱۲) من خواهش معاونت از تمام اهالی طهران برای استقرار نظم در شهر می‌نمایم.

(رئیس و فرمانده بریگاد قزاق اعلیحضرت
همایونی کلنل لیاخوف) بدون تاریخ

ملفوف ۵ در نمره ۲۱۱

اعلانی که از طرف صدراعظم در تاریخ

۶ ماه ژوئیه ۱۹۰۸ [۱۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۷ ج ۲-۱۳۲۶]

صادر گردید

به موجب این ورقه به تمام ساکنین شهر طهران اخطار می‌شود که تا مدتی که پایتخت در تحت قانون نظامی است بریگاد قزاق و افواج ساخلو در قراولخانه‌ها و ژاندارم در

تحت فرمان کلنل لیاخوف مشغول محافظت کوجه‌ها و استقرار نظم در شهر بوده بعد از این هم باید بر وفق احکام و دستورالعملهای مقررره همینطور مشغول استقرار نظم و امنیت در شهر باشند ولی امورات دیگر حکومتی از قبیل رسیدگی به شکایات و رفع تظلمات مربوط به شاهزاده مؤیدالدوله حاکم طهران است و اهالی شهر هم باید بهمین ترتیب رفتار نمایند و بدانند که امنیت و انتظام شهر مخصوصاً مربوط به کلنل است در صورتیکه رسیدگی به شکایات و کارهای دیگر راجع به حضرت والا است.

(امضا صدراعظم) بدون تاریخ

نمره - ۲۱۳

مراسله مستر مارلینگ به سرادوا دگری

مورخه ۱۵ ژویه ۱۹۰۸

[۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ ج ۲ - ۱۳۲۶]

از قهک

راجع به تلگراف ۲۹ ماه گذشته من ، افتخار دارم از راپرت اینکه در ساعت ۷ شب ۲۳ ماه گذشته [۲ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۶] ماژور استوکس بتوسط کاغذی به من اطلاع داد که هرچند اثری نیست که ملیین قصد تحصن در سفارت اعلیحضرتی را داشته باشند ولی او تصور می نمود که ممکن است در عرض شب اقدامی از طرف آنها بشود.

چون من می دانستم که بواسطه حفاظت و حراست قشون مأمور اطراف سفارت که از طرف شاه فرستاده شده بود تحصن عده زیاد مردم در سفارت اعلیحضرتی غیر ممکن و بعلاوه ماژور استوکس از دستورالعمل عمومی که در این خصوص سفارت به او داده بود کاملاً مستحضر بود.

مفاد دستورالعمل مذکور این بود که بهیچوجه تحصن عده کثیری از مردم در سفارت اجازه داده نشود ولی فقط به اشخاصی که ممکن است پناهگاه داده شود اشخاصی خواهند بود که حقیقتاً جان آنها در معرض خطر فوری است .

لهذا من گمان نمودم که غیر لازم است احکام مخصوص برای او بفرستم.

تقریباً در ساعت ۹ پیغامی از طرف تقی زاده (وکیل شهیر آذربایجان که بواسطه نطقهای بی پرده و ترس او ، مورد غضب و خشم شاه واقع گردیده) برای ماژور استوکس رسیده که او و سه نفر از رفقاییش مایلند که به سفارت متحصن بشوند چونکه قشون در تجسس آنها است و هر دقیقه ممکن است که آنها دستگیر شوند و در صورتی که در سفارت پذیرفته نشوند حتماً کشته خواهند شد.

ماژور استوکس بر وفق دستورالعمل مقررره جواب داده و چندی نگذشت که تقی زاده و شش نفر دیگر که سه نفر آنها مدیر «جبل المتین» و نایب مدیر روزنامه «مساوات» و «صوراسرافیل» بودند وارد در معموله [=محدوده] سفارت شده و اجازه دخول به آنها داده شد.

هیچ جای تردید نیست که اگر به آنها اجازه تحصن داده نمی‌شد سه و شاید بیشتر از سه نفر آنها با عاقبت جهانگیرخان و ملك المتكلمين (که در صبح زودروز بعد بدون هیچ محاکمه خفه کردند) شرکت می‌نمودند.

تقریباً نزدیک صبح زود روز دوشنبه مرتضی قلیخان و کیل اصفهان و هفت نفر دیگر به همین ترتیب اجازه دخول به آنها داده شد غیر از اینکه آنها بدو از قصد خود به سفارت اطلاعی ندادند.

من نمی‌توانم بگویم که آنها کشته می‌شدند ولی بلاشک با تمام آنها سخت رفتار می‌شد و تا مدتی هم داخل درجرگه محبوسین باغشاه که مابین آنها پنج نفر و کیل بود می‌گردیدند. بعضی از آنها هم ابداً مرتکب هیچگونه تقصیری نشده بودند.

هرچند که شب به آرامی گذشت بغیر از اینکه عده زیادی دستگیر شدند ولی شهر در روز چهارشنبه ۲۴ [۳ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۴ ج ۱ - ۱۳۲۶] در حال وحشت و اضطراب بود و راپورت دستگیری زیاد و قتل عام یا ثبوت آن در شهر شیوع داشت و اگر ما به یکی از ده آن اخبار واقعی می‌گذاشتیم خود دلیل کاملی بود که هرکس تقاضا می‌نمود او را در سفارت پناه بدهیم. يك بدنامی که شاه از تبریز با خود آورده بود و دیگر معلوم الحال بودن اخلاق ناصح عمده او (امیر بهادر) اساساً باعث اضطراب و وحشت مردم گردیده.

در هر حال آن روز صبح هیچکس باور نمی‌کرد که اگر او به باغشاه برود دیگر از آنجا زنده مراجعت خواهد نمود.

ثبوت این ترور به همین واقعه کافی است که ممتازالدوله رئیس مجلس و دو نفر دیگر پس از اینکه دوروز وقت خود را در محله یهودیها در خفا گذرانیدند بالاخره با لباس کثیف درویشی خود را به سفارت فرانسه که نزدیک به زرگنده است رسانیده و در آنجا متحصن شدند.

در اینطور مواقع اسباب حیرت نیست اگر عده زیادی از مردم مایل به تحصن در سفارت بشوند.

در این موقع من گمان نمی‌کنم که کسی خیال این را داشت که عده کثیری مردم را در سفارت برای مقصود سیاسی جمع نماید. هرکس ترس خود را داشت و خواستند که به يك وسیله‌ای از دسترسی شاه خارج شوند و احتمال کلی برده می‌شود که اگر قشون از طرف شاه در اطراف سفارت گذارده نمی‌شد اغلب بستیه‌ها در یکی دو روز خود به منزلهای خود مراجعت می‌نمودند.

در ۲۶ ماه [۵ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۶ ج ۱ - ۱۳۲۶] اعلان قانون نظامی که یکی از مواد آن اشعار می‌داشت که در صورت بی‌احترامی به نظام اجازه به سربازان داده شده است که اسلحه خود را بکار برند منتشر گردیده و بیشتر باعث اضطراب مردم گردید.

محض تشریح اضطراب و وحشت شایعه یکی دو مثل بی‌موقع نخواهد بود: مفتاح السلطنه رئیس اداره انگلیس در وزارت خارجه که مثل اشخاص دیگر عضو انجمنی بود تا مدت دو روز از منزل خود خارج نمی‌شد و حسینقلی خان نواب برادر عباسقلی خان نواب سفارت اعلیحضرتی پس از اینکه به خانه خود رسید تابه حال

(۱۵ ژوئیه) [۲۴ تیر ۱۲۸۷؛ ۱۶ج ۲-۱۳۲۶] جرئت نکرده است که به طهران مراجعت نماید.

عده زیادی از مردم تقاضای اجازه دخول به سفارت را می نمودند و با وجود اینکه تقریباً هرکسی که از سفارت خارج می شد دستگیر می نمودند مازوراستوکس به هیچکس اجازه دخول نمی داد مگر به اشخاصی که بر او ثابت می شد که در صورت عدم اجازه دچار خطرات در باغشاه خواهند گردید.

یکی دو نفر از دری که سقاها آب از قنات سفارت انگلیس برای اتیاع انگلیس می برند داخل باغ سفارت شدند. این در هم به حکم من بسته شد با وجود اینکه بستن این در اسباب اشکال زیاد گردید.

یکی دو نفر دیگر هم خود را داخل باغ نمودند، به این ترتیب که عقب گاریهایی که اسباب بنائی برای عمارت آتاشه میلیتر می آوردند افتاده و داخل باغ شدند. این واقعه در ۹ این ماه [۱۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۱ج ۲-۱۳۲۶] روی داد ولی این اشخاص داخل مسائل سیاسی نبوده و فقط برای رفع تظلم شخصی به سفارت آمده بودند.

خیلی مشکل است پیش بینی کردن اینکه آیا عده زیادی از مردم قصد تحصن در سفارت اعلیحضرتی را دارند یا نه.

در دوروز اول همانطوریکه سابق گفته شد ابدأ خیال همچو اقدامی برای مقصود سیاسی برده نمی شد و چند روز بعد هم گمان می کنم که به رؤسای ملتیان ثابت شده بود که همچو اقدامی از طرف ما قبول نخواهد شد چونکه ما مکرر چه در ماه دسامبر گذشته و چه در اوقات دیگر همیشه رد همچو اقدامی را نموده ایم. ولی چندی بعد عده ای از مردم از شدت یأس به خیال افتادند که شاید سفارت مثل سال ۱۹۰۶ [۱۲۸۴؛ ۱۳۲۲] آنها را بپذیرد و از طرف دیگر البته عده ای مردم از ترس طلب پناه در سفارت می نمودند و همینکه آنها داخل سفارت شده جزو بستیهها محسوب می شدند آنوقت از مقام خود استفاده نموده تقاضای بعضی شرایط سیاسی از شاه می نمودند.

جای تردیدی برای من نیست که شاه از نقطه نظر خود این مسئله را خیلی خطر بزرگی فرض نموده ناصحین او را از این خطر متنبه می ساختند ولی به عقیده من هر نوع احتمالات متصوره را دستة درباریان با اغراق زیاد شیوع می دادند که سفارت اعلیحضرتی میل این را دارد که عده زیادی از اهالی در سفارت متحصن بشوند.

در قلهک تقریباً ۱۵ نفر هستند که ممکن است گفته شود که آنها محض دستگیر شدن به آنجا آمده اند. دو نفر از آنها دو برادرند که در منزل خود متوقف اند و البته اعتراضی به حضور آنها نمی شود کرد. مابقی دیگر یا خانه های کوچک اجاره کرده اند و یا اینکه در منزل رفقای خود میمانند.

آنقدری که من توانسته ام معلوم نمایم فقط يك نفر از تمام این اشخاص علت موجهی برای وحشت خود دارد. این شخص قاضی است که در ماه دسامبر گذشته سر دستة ارادل طرفدارهای شاه را محکوم به حبس نموده و از طرف او استدعای عاجلانه از من شد که اسم او را هم در جزو بستیههای سفارت شهر منظور بدارم ولی من به جهات عدیده این کار